

الله أكبر

نقش انسان در تقدیرات شب قدر

سرشناسه: شجاعی، محمد، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور: نقش انسان در تقدیرات شب قدر/ محمد شجاعی
مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمد شجاعی
مشخصات نشر: قم: محیی، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ صفحه
فروست: سلسله مباحث استاد محمد شجاعی: مجموعه ششم
شابک: ۹۷۸۹۶۴۲۷۲۰۴۹۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
سرشناسه: شجاعی، محمد، ۱۳۴۳
موضوع: قضا و قدر
موضوع: شب قدر
شناسه افزوده: مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمد شجاعی
رده بندی کنگره: ۶۴ / BP۲۵۹ / ش ۳ ن ۱۳۹۸۷
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۳۷
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۳۰۲۹۴

نام کتاب: نقش انسان در تقدیرات شب قدر
مؤلف: محمد شجاعی، ۱۳۴۳
تدوین: مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمد شجاعی
صفحه آرا: علی زندیه
مشخصات نشر: نشر محیی / ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ صفحه
موضوع: انسان، شب قدر، ماه رمضان
قیمت: ۲۵ هزار تومان
شابک: ۹۷۸۹۶۴۲۷۲۰۴۹۱
کتاب نامه: به صورت زیرنویس و صفحه‌ی ۱۳۷

فهرست مطالب

فصل اول

شب قدر، شبی برتر از هزار ماه

- ۱۷.....شب قدر، چه شبی است؟
۱۹.....مقدرات امور در شب قدر
۲۰.....تفکر، مهم‌ترین عمل شب قدر
۲۲.....شب قدر، شب میزان و اندازه‌گیری
۲۵.....چرا این شب، شب قدر نامیده شده است؟
۲۷.....شب‌های قدر و تقدیر مناسب
۲۸.....تحصیل کرده‌ها و ثروتمندان هم از افشار آسیب‌پذیر جامعه هستند
۳۰.....ملاک بهترین تقدیرات

فصل دوم

انواع قدرها

- ۳۵.....مروری بر بحث گذشته
۳۶.....قرآن، منبع شناخت بهترین تقدیرها
۳۸.....تقسیم‌بندی قدرهای انسان از منظر قرآن
۳۹.....۱ و ۲. قدرهای جمادی و بدتر از جماد
۴۱.....۳. قدرهای حیوانی
۴۲.....۴. قدرهای پست‌تر از حیوان
۴۳.....۵. قدرهای شیطانی
۴۵.....۶. قدرهای انسانی

فصل سوم

شب قدر، فرصتی مهم برای خودسازی و تغییر سبک زندگی

- مروری بر بحث گذشته..... ۵۳
- نقش دعا در تقدیرات انسان..... ۵۵
- شکر نعمت، از عوامل مؤثر بر تقدیرات شب قدر..... ۵۷
- تقدیرات شب قدر به تناسب خودآگاهی..... ۶۱
- طراحی سبک زندگی به همراه نقشه و برنامه‌ریزی..... ۶۳
- جذب تقدیرات منوط به سطح فکری انسان..... ۶۵

فصل چهارم

شب قدر، فرصت برنامه‌ریزی و احیا شدن

- مروری بر بحث گذشته..... ۶۹
- فرصت انسان شدن را در شب قدر از خدا بخواهیم..... ۷۲
- شرط تولد سالم به آخرت..... ۷۵
- قیمت خودتان را بشناسید..... ۷۷
- خودشناسی در کلام امیرمومنان (ع)..... ۷۷

فصل پنجم

خودشناسی لازمه بهره‌مندی از شب قدر

- مروری بر بحث گذشته..... ۸۳
- جهل به آخرت و جهل به خود..... ۸۳
- جهل به خود، قدم در مسیر گمراهی و جهالت..... ۸۷
- خودشناسی در دعای امام سجاد (ع)..... ۹۱
- دعای سیدالسادین (ع) در مناجات شاکین..... ۹۳

فصل ششم

شب قدر وقت رسیدن به خیمه امام زمان علیه السلام

- ۹۷.....مروری بر بحث گذشته
- ۹۸.....بالاترین تقدیرها در شب قدر
- ۱۰۰.....دعای شب قدر، خواندنی نیست، خواستنی است
- ۱۰۴.....لبیک گفتن به ندای هل من ناصر ی نصرنی
- ۱۰۶.....رغبت به دولت کریمه امام زمان علیه السلام
- ۱۰۷.....دعای فرج مخصوص ماه رمضان

فصل هفتم

شب قدر، شب پیوند با امامت

- ۱۱۱.....مروری بر بحث گذشته
- ۱۱۲.....اهمیت شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان
- ۱۱۳.....تقدیرها و تدبیرهای مزاحم
- ۱۱۳.....انتظار فرج، بهترین تقدیر شب قدر
- ۱۱۶.....شب های قدر، رحم قدرتمند تقدیر
- ۱۲۱.....شب عید فطر، شب قدر
- ۱۲۳.....دعای امام سجاد علیه السلام در شب بیست و هفتم

فصل هشتم

شب قدر، اوج ذکرهای آسمانی

- ۱۲۹.....مروری بر بحث گذشته
- ۱۲۹.....استمداد از اسماء الهی در شب های قدر
- ۱۳۶.....شب قدر، شب آشتی و بازگشت به آغوش خدا
- ۱۳۷.....کتاب نامه

پیشگفتار

مجموعه کتاب‌های «بیان» برگرفته از سلسله جلسات صوتی و تصویری استاد محمد شجاعی است. هدف این مجموعه، توسعه و ترویج معارف الهی و انسانی با حفظ اصالت گفتار و شیوه بیان ایشان می‌باشد که با ویرایش مناسب متن، در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

بدون شک این مجموعه، در کنار پیشنهاد گوش دادن به جلسات صوتی، می‌تواند علاوه بر مرور دروس، امکان بازخوانی این معارف را برای علاقه‌مندان فراهم کند، تا با گوش خویش بشنوند، با چشم خود بخوانند و با جانشان این معارف را دریابند.

در آثار مکتوب، تلاش شده است تا در کنار ویرایشهای ضروری متن، شیوه بیان نیز حفظ شود؛ به گونه‌ای که علاقه‌مندان به این مباحث، در هنگام خواندن متن، ضرب‌آهنگ صدای استاد را در الفبای متن بیابند و ارتباط بهتر و نزدیک‌تری با این معارف انسانی و معنوی در وجود خویش برقرار کنند.

بدون تردید، مؤلفان که گروهی از شاگردان برجسته استاد می‌باشند، با قبول مسئولیت هر گونه اشکال در این آثار، ساحت استاد معظم را از این اشکالات بری می‌دانند و پیشایش از خوانندگان عزیز و گرانقدر، به دلیل هر نقصی پوزش می‌خواهند.

امید است استاد معظم، آن گونه که شایسته بزرگی بزرگان می‌باشد، به این نواقص با دیده اغماض بنگرند و شاگردان کوچک

خویش را ببخشند. مؤلفان کوشیده‌اند، محصول نهایی با کمترین نقص در اختیار همگان قرار گیرد؛ امّا بدون شک این آثار، همانند هر تلاش انسانی دیگر، مصون از خطا نیست؛ نواقصی که با تذکرهاى مشفقانه و هوشمندانه شما عزیزان رفع خواهد شد. از این که ما را در مسیر اعتلای این مجموعه همراهی می‌فرمایید، سپاسگزاریم.

مقدمه

روزها و شبها، بستر رخدادها هستند. طلوع و غروب وقایع، در بخشی از زمان صورت می‌بندد. زمان‌ها، لحظه‌ها، هفته‌ها، ماه‌ها، سال‌ها و قرن‌ها، مخلوق خدا و مرهون نظام جاری و حرکات موزون عالم هستند و به ظاهر هیچ فرقی میان آنها نیست. ولی قرآن کریم، همه ایام را یکسان نمی‌بیند. برخی از آنها را ایام مبارک و مقدس می‌نامد که ماه رمضان و شبهای قدر از آن جمله‌اند. از منظر قرآن، شب قدر، شبی با ارزش و پر فضیلت و با امور پر عظمتی همراه است؛ همانند نزول قرآن و فرشتگان، تدبیر، برنامه‌ریزی‌های جدید، تقدیر و تعیین سرنوشت‌ها.

شب قدر، شب اندازه است؛ شب دعا و تصمیم است. باید دعا کنیم اما دعا به «خواندن» نیست؛ بلکه به «خواستن» است. ما با خواستن‌هایمان تعیین می‌کنیم، در تقدیرهایمان چه بنویسند. عبادت در شب قدر، بیشتر از هشتاد سال ارزش دارد و قابل قیاس با سایر شبها نیست. در چنین شبی خداوند، بال رحمت می‌گشاید، بندگان خود را در رواق آن می‌نشاند و مومنان و عابدان را مشمول رحمت خاصش می‌سازد.

در شب قدر، فرشتگان میان عرش الهی و قلب امام زمان علیه السلام، در رفت و آمدند و تقدیرات همه بندگان را خدمت حضرت می‌آورند و به امضای ایشان می‌رسانند. به عبارت دیگر، امام زمان علیه السلام، ظرفِ پدید

آمدن و رقم خوردن همه تقدیرها هستند. از این رو گفته‌اند: شبِ قدر، شبِ امامِ زمان علیه السلام، است. هر کس بخواهد، به خدا دست یابد و بهترین تقدیرها را برای خود دریافت کند، باید دست به دامن امام بشود و با امام خود ارتباط و اتصال ویژه‌ای برقرار کند.

فلسفه وجودی شب قدر، نقش انسان در تقدیرهای شب قدر، علت شب قدر نامیدن آن، ارزش عبادی در شب‌های قدر، چگونگی امضای تقدیرهای امور به دست امام زمان علیه السلام، بهترین دعا در شب قدر و شاخصه‌های بهترین تقدیرها و... از جمله موضوعات مهم این کتاب است.

امیدواریم، انتشار این کتاب، که پیاده شده سلسله جلسات فایل صوتی «نقش انسان در تقدیرات شب قدر» در سال ۱۳۹۲ است، در ارائه فهمی بهتر از شب قدر سودمند باشد، شبی که سرنوشت زمینیان و آسمانیان در آن به هم گره می‌خورد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (١) وَمَا أَدْرَاكَ مَا

لَيْلَةُ الْقَدْرِ (٢) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ

(٣) تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ (٤) سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ

مَطْلَعِ الْفَجْرِ (٥)

فصل اول

شب قدر، چه شبی است؟

مقدرات امور شب قدر

تفکر، مهمترین عمل شب قدر

شب قدر، شب میزان و اندازه‌گیری

چرا این شب، شب قدر نامیده شده است؟

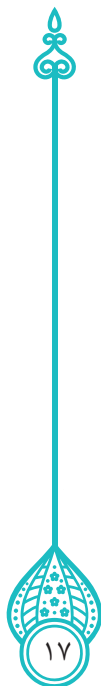
شب‌های قدر و تقدیر مناسب

تحصیل کرده‌ها و ثروتمندان هم از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند

ملاک بهترین تقدیرات



شب قدر، شبی برتر از هزار ماه



شب قدر، چه شبی است؟

شب قدر، شب نزول قرآن است. (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ*
وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ* لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ* تَنْزِيلُ
الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ* فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ مَنْ كُلِّ أَمْرٍ* سَلَامٌ هِيَ
حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ؛^۱ ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم
و تو چه می دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر ارجمندتر
و بهتر از هزار ماه است. فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن
پروردگارشان برای [تقدیر] هر کاری نازل می شوند. [آن شب] تا
دم صبح، صلح و سلام است) گزاره دوم را که شب قدر برتر از
هزار ماه است، نمی دانیم چقدر برتر است! چه اتفاقی در این
شب می افتد؟

نخست اینکه قرآن در این شب نازل شده، ضمن اینکه
قرآن نازل شده، ملائکه نیز همراه روح، به مدد آن و با اجازه

۱. سوره قدر/ آیات ۱-۳.



پروردگارشان نازل می‌شوند. (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) یعنی همه‌چیز، هیچ استثنائی ندارد. هر چیزی که در مخیله ما بیاید و میلیاردها چیزی که نمی‌آید، ملائکه، تقدیرهای هر چیزی را در این شب می‌آورند. روح، همان است که علی 7 فرمود: «خَلَقَ أَعْظَمُ مِنْ جَبْرِئِيلَ»^۱ آفرینشی برتر و بزرگ‌تر از جبرئیل است». ملائکه در کار خودشان، به روح وابسته هستند. اگر روح نباشد، ملائکه توان انجام کاری را ندارند؛ چرا که در جای دیگری از قرآن می‌فرماید: (تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ)^۲ خداوند ملائکه را به واسطه روح نازل می‌کند. پس روح، آن چیزی است که ملائکه را نازل می‌کند. (سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ)^۳ [آن شب] تا دم صبح، صلح و سلام است). نتیجه این تقدیر و تنزل ملائکه، سلامتی است تا مطلع الفجر.



اما کل امر، به چه کسی نازل می‌شود؟ کل امر، به ولیّ امر نازل می‌شود؛ همان کسی که، قرآن فرمود: (أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ)^۴ خدا را اطاعت کنید! و پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را اطاعت کنید).

اولی و اولو، جمع ولی است؛ یعنی، صاحبان امر، والیان امر، دارای امر و مالک امر. همه کارها (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) به خدمت ولیّ امر و وجود مقدس امام زمان علیه السلام آورده می‌شوند، حضرت فرمود: «با دشمنانتان با استفاده از سوره قدر بحث کنید و

۱. مجلسی، بحار الانوار الجامعة لِذُرْرِ اخبار الائمه الاطهار، ج ۲۵، ص ۵۹.

۲. سوره نحل/ آیه ۲.

۳. سوره قدر/ آیه ۵.

۴. سوره نساء/ آیه ۵۹.



دلیل بیاورید».^۱ در جواب آن‌هایی که می‌گویند: «امام زمان زنده نیست، ولی امر و امام معصوم نیاز نیست»، از این سوره استنباط می‌شود؛ مادامی که ماه‌ها و سال‌ها از پس هم می‌آیند، ماه مبارک رمضان و شب قدر هم خواهد آمد، ولی امر و امام زمان علیه السلام هم حضور خواهند داشت و ملائکه باید تقدیر همه امور را نزد ایشان ببرند.

مقدرات امور، در شب قدر

خداوند در سوره قدر می‌فرماید: در شب قدر ملائکه و روح نازل می‌شوند. به چه کسی نازل می‌شوند و این تقدیرها را برای چه کسی می‌آورند؟ خدمت وجود مقدس امام زمان علیه السلام، که حسابدار خداست؛ یعنی تمام تقدیرهای الهی، درباره همه عوالم و همه موجودات از مقام الهی به قطب عالم امکان، حسابدار عالم، خزانه‌دار عالم و ولی امر عالم، امام زمان علیه السلام نازل می‌شود تا هر مخلوقی، رزق خود و تقدیرهای یک سال خود را از دست مبارک ایشان دریافت کند.

امام زمان علیه السلام، کسی است که تمام محاسبات ماسوی‌الله، در صفحه وجود مقدس ایشان انجام می‌شود. (کُلُّ شَيْءٍ أُخْصِنَاهُ فِي

۱. اشاره دارد به حدیث امام باقر علیه السلام: «يَا مُعَشِّرَ الشَّيْعَةِ خَاصُّمُوا بِسُورَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ تَفْلُجُوا، فَوَ اللَّهِ إِنَّهَا لِحُجَّةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ إِنَّهَا لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ وَ إِنَّهَا لَغَايَةُ عِلْمِنَا؛ ای جماعت شیعه با خصم خود به سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» مجابه کنید که پیروز خواهید شد؛ پس سوگند به خدا که این سوره از برای حجت خداوند تبارک و تعالی، بعد از رسول است. این سوره همانا مدرک دین شما و نهایت علم ما است». (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۴۹)



إِمَامٌ مُبِينٌ^۱ و هر چیزی را در امامی آشکار برشمرده‌ایم). حساب و کتاب‌ها بدون استثناء در یک شخص انجام می‌شود، آن شخص همان امام مبین یعنی وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. پس امام زمان علیه السلام محاسبه‌گر و حسابدار تمام نظام خلقت است و هر چه به هر مخلوقی می‌رسد، از وجود مقدس و مبارک امام زمان علیه السلام نشأت می‌گیرد. «وَيُؤْتِيهِ رِزْقَ الْوَرَى^۲؛ به یمن حضرت، [همه مخلوقات] رزق و روزی داده می‌شوند.»

متأسفانه بعضی‌ها فکر می‌کنند؛ وقتی می‌گوییم شب قدر؛ یعنی تقدیرها، در این شب تعیین می‌شود و ما تا سال بعد محکوم به این تقدیرها هستیم. خیر، ما در آنچه حضرت امضاء می‌کند، نقش مؤثری داریم. بنابراین، در شب‌های قدر تلاش کنید، تا کارنامه خوبی از بهترین تقدیرها، برای امضاء تحویل حضرت بدهید.



تفکر، مهم‌ترین عمل شب قدر

مهم‌ترین عمل در شب قدر، فکر کردن است، نه عبادت. مرحوم مجلسی 4، روایتی را نقل کرده است، که در شب‌های قدر جوشن کبیر بخوانید؛ بزرگان هم به فرمایش ایشان احترام گذاشتند و جامه عمل پوشاندند. اما اگر در شب‌های قدر نتوانستیم، اشکالی ندارد، تا پایان ماه مبارک هم فرصت داریم که این دعای زیبا و پر محتوی را بخوانیم. جوشن کبیر، فقط

۱. سورة یس/ آیه ۱۲.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، دعای عدیله.



برای ماه رمضان نیست، هر زمانی که بخوانید، خیرات و برکات خودش را دارد.

عبادت و دعا بدون حضور قلب و تمرکز، اثر چندانی ندارد؛ به طور مثال خواندن صد رکعت نماز بدون تمرکز، خوب نیست؛ اما عزاداری فرق می‌کند؛ چون در عزاداری‌ها، تمرکز بالاست و حالت‌پذیری قلب خیلی زیاد است. البته باید مواظب باشیم عبادت‌زده نشویم؛ یعنی طوری نشود که عبادت، ما را از تفکر غافل کند. صرفاً خواندن دعا و جمله‌های عربی، بدون فهم و درک درستی از آنها، خوب نیست: «لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ آيَسٍ فِيهَا تَدْبُرُ»^۱ در خواندنی که تدبر نیست، خیری هم نیست. شاید اگر قرار باشد عملی به غیر از تفکر در شب قدر، تأثیر بگذارد، همین تمرکزهای عبادی و ولایی ماست؛ یعنی ذکر مصیبت‌ها و به‌خصوص یادکردن وجود مقدس صاحب امر علیه السلام که قرار است، همه چیز بر او نازل شود. بنابراین مهم‌تر از فکر کردن، سخنرانی شنیدن، حرف زدن و مذاکره کردن، این است که؛ ما در شب قدر به تصمیم‌هایی برسیم و برای آینده‌مان برنامه‌ریزی کنیم و آن‌ها را تحویل امام زمان علیه السلام بدهیم.

اگر دائم مشغول دعا خواندن شویم، فرصت نداریم فکر کنیم که چه چیزی را می‌خواهیم تحویل امام زمان علیه السلام بدهیم، این زمان با غفلت می‌گذرد و ما چیز مفیدی، دست امام زمان علیه السلام نخواهیم داد. لذا؛ مهم‌ترین عمل در شب قدر، شنیدن، فکر کردن، نقشه‌ریختن و تصمیم‌گیری است. باید در این

شب‌ها، ساعت‌هایی را برای خود خلوت داشته باشیم و تا صبح نقشه بریزیم و بالأخره تحویل امام زمان علیه السلام بدهیم. بگوییم: آقا! ما برای سال آینده‌مان این چیزها را می‌خواهیم که شما امضاء کنید. پس داده‌های ما در این شب‌ها فوق‌العاده مهم است. بهتر است، بیندیشیم چه داده‌هایی را به حضرت تقدیم کنیم، تا امضاء بفرمایند.

شب قدر، شب میزان و اندازه‌گیری

مسئله اول این است که، قَدَر در همهٔ ماسوی‌الله جریان دارد. یعنی غیر از حق تعالی، که وجود بی‌نهایت است، در بقیه جلوه‌های خدا، ما با قدر و اندازه سروکار داریم. (وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ) و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد). هر چیزی نزد خدا، عدد و اندازه و مقدار دارد.

تقدیر یعنی اندازه‌گیری، شب قدر یعنی شب اندازه، شب اندازه‌گیری. ما هر کدام اندازه‌ای از خودمان را برای هر کاری می‌دهیم؛ اندازه‌ای برای مسائل خانوادگی، اندازه‌ای برای مسائل تربیتی، اندازه‌ای برای مسائل عبادی، اندازه‌ای برای مسائل روحی و روانی و... همین‌طور اندازه‌های مختلفی را باید تعیین کنیم و این مهارت می‌خواهد.

اساس نظام خلقت، بر پایه اندازه است و در اصطلاح قرآنی به آن می‌گویند: قضا و قدر، نتیجه و اندازه. بر اساس قانون نیوتن در علم فیزیک، اگر شما با دست، یک نیوتن نیرو به چیزی



وارد کنید، یک نیوتن نیرو هم، به دست شما وارد می‌شود. پس هر بار که یک قَدَر می‌دهیم، یک قضا دریافت می‌کنیم. قضا، یعنی نتیجه و عکس‌العمل. به‌طور مثال، مسواک زدن قدر می‌شود؛ قضایش، سالم ماندن دندان است و برعکس آن، مسواک نزدن یک قدر است، نتیجه‌اش بیماری دندان است. به این مسئله اصطلاحاً در فیزیک، عمل و عکس‌العمل، در فلسفه، علت و معلول و در دین، قضا و قدر می‌گویند. پس همه چیز قضا و قدر دارد و بر اساس یک داده و یک نتیجه است. کسانی که در مجلسی نشسته‌اند، هر قدر به بلندگو نزدیک‌تر باشند، صدای بیشتری را دریافت می‌کنند. گوش هر کس، هر قدری داشته باشد، به همان مقدار، صدا دریافت می‌کند.

بنابراین، ما هر تصمیمی می‌گیریم و هر عملی انجام می‌دهیم، نتیجه و قضایی دریافت می‌کنیم. این قضا و قدر یعنی؛ اندازه‌ها و نتایجی که خداوند تبارک و تعالی در نظام خلقت قرار داده است. در اینجا یک باور غلط را مطرح می‌کنیم؛ وقتی کسی می‌میرد، می‌گویند قضا و قدر الهی بوده، این فکر اشتباه است. این شخص، قَدَری را در رفتار با بدنش انتخاب کرده، که قضای آن، مردن بوده است. بنابراین، خودش مردن را انتخاب کرده؛ نه اینکه خدا می‌خواسته او بمیرد. همچنین اگر کسی مریض شد، فقط، قضا و قدر الهی نبوده، شاید خود شخص بهداشت را رعایت نکرده، در نتیجه مریض شده است. قضا و قدر یعنی علت و معلول، عمل و عکس‌العمل، اما به این معنا نیست که اگر قضا و قدر الهی است، خواست خدا

هم باشد.

امام صادق 7 فرمود: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ»^۱ تعداد کسانی که توسط گناه می‌میرند، بیشتر از کسانی است که با عمر مقدر می‌میرند». به‌طور مثال، خداوند تعیین کرده، فردی در شصت سالگی بمیرد؛ اما اگر خودش در اثر انجام گناهان زیاد و بی‌احتیاطی، در چهل سالگی مُرد، خودش قَدَرهایش را تغییر داده، نمی‌توانیم بگوییم، خواست خدا بود. در مورد زندگی کسانی که به طلاق منجر می‌شود هم به همین منوال است، طلاق، خواست خدا نبوده، بلکه بی‌تجربگی و بی‌اطلاعی زن و شوهر در رفتارها، روابط و کسب مهارت‌های اقتصادی، عاطفی و معنوی باعث شده، که زندگی‌شان تلخ شود و شکست بخورد. خدای تعالی برای هر چیزی، قانون و قضا معین کرده است؛ با یادگیری این قوانین، انتخاب‌هایتان تغییر کرده و قدرهای خوبی را برای خودتان رقم می‌زنید و برعکس اگر یاد نگیرید، طور دیگر عمل کرده و قدر دیگری نصیبتان می‌شود. پس وقتی می‌گوییم قضا و قدر الهی، به آن معنا نیست که خواست خدا بوده است.

مشرکین نیز همین را می‌گفتند؛ قرآن می‌فرماید: (مشرکان خواهند گفت اگر خدا می‌خواست، ما و پدرانمان مشرک نمی‌شدیم)^۲. خدا می‌فرماید: حرف بی‌دلیل نزنید؛ اگر قرار بود، من برای شما تصمیم بگیرم، من خدا، دوست دارم شما

۱. طوسی، الامالی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۲. (سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا) (سوره انعام / آیه ۱۴۸).





مشرک باشید یا مؤمن؟ دوست دارم همه بندگانم مؤمن باشند؛ چون من موجودی مختار خلق کردم، بنا نیست کسی را با زور به بهشت ببرم، بنابراین اگر کسی کفر و جهنم را انتخاب کرد، او را آزاد می‌گذارم.

خداوند، مسیر را با فرستادن قرآن، متخصصین معصوم علیهم‌السلام، عقل و فطرت نشان داده؛ ولی کسی که مشرک است و خلاف میل او عمل می‌کند و به همه این قدرها پشت پا می‌زند، قضایش چیز دیگری است.

مثالی دیگر: پلیس راهنمایی می‌گوید، این جاده لغزنده است. این قدر می‌شود، حالا بنده می‌توانم ترمز کنم و زنجیر چرخ ببندم و بروم، و یا بی‌احتیاطی کرده و به دستور پلیس توجهی نکنم. آمار نشان می‌دهد، سالی پنج هزار جوان موتورسوار در کشور ما از دنیا می‌روند، بیشتر از بیست هزار نفر در تصادف اتومبیل از دنیا می‌روند. این اتفاقات بی‌توجهی و غفلت است و خودشان قدرهایی را انتخاب کردند که در این قدرها تصادف و مرگ وجود دارد.

پس اگر گفتیم قضا و قدر الهی، نه اینکه مطلقاً، خواست خداست. درست است که خداوند جاهایی می‌خواهد و دخالت هم می‌کند؛ اما مهم این است که ما بخواهیم.

چرا این شب، شب قدر نامیده شده است؟

اگر گفته شده است؛ در ایام ماه رمضان و شب‌های قدر دعا کنید؛ یعنی خدایا! درست است که تو دخالت نمی‌کنی؛



این را می‌دانیم که، اگر کمک نخواهیم، تو کمک نمی‌کنی، ولی همانطور که در قرآن گفتی: **(قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ)**^۱ بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند؛ یعنی اگر دعایتان نباشد، خدا هم با شما کاری ندارد و خدا به زور کمک نمی‌کند؛ پس ما با خواندن اسماء تو از تو یاری می‌طلبیم، خدایا! ما فهم دقیق و معرفت کاملی از تقدیرها و اندازه‌ها نداریم، تو به داد ما برس. شب‌های ماه مبارک رمضان و مخصوصاً شب‌های قدر، شب‌های استفاده از اسم‌های خداست. شما در هیچ ماهی به اندازه این ماه، دائم از اسم‌های خداوند تبارک و تعالی و قدرت‌های الهی، برای تک‌تک کارهایتان استفاده نمی‌کنید. دعا‌های روزها، سحرها، شب‌ها، همه اسماء الهی هستند.



خداوند در دعا و قرآن، این اندازه‌ها را برای ما روشن می‌کند. پس نکتهٔ نخست این است که، در نظام خلقت این تقدیر وجود دارد. خدا قدرها را به ما نشان داده و هر کدام از قدرها، در روح، جسم، دنیا و آخرت ما آثاری دارد. مثلاً نماز خواندن آثار ویژه خود را دارد، آنکه اول وقت می‌خواند، یا کسی که نماز را سبک می‌شمارد، یا فردی که اصلاً نماز نمی‌خواند، آثار متفاوتی دارند. همهٔ این‌ها، در نظام فیزیکی و نظام متافیزیکی اندازه‌گیری شده است. روزه، نماز و حجاب هر کدام درجاتی دارند. هر کس، هر درجه‌ای را انتخاب کند یک سلسله آثاری در وجود او دارد.

شب قدر، نیز شب تقدیر است؛ یعنی ما باید اندازه‌هایی را معین و مشخص کنیم و به خداوند تبارک و تعالی بدهیم تا برای سال بعدمان تقدیرات خوب و زیبایی داشته باشیم. بنابراین باید در این شب‌ها تمرین کرده و مهارت‌هایمان را زیاد کنیم. بزرگان دین یک سال مراقبت می‌کردند که برای شب قدر بهترین تقدیر را خدمت حضرت بدهند که امضاء کند. یکی از دلایلی که می‌گویند: «اگر کار خیری را شروع کردید، تا یک سال رهایش نکنید»؛ این است که، شب قدر به آن بگذرد. فردی کار خیری را انجام می‌دهد، نزدیک شب قدر رهایش می‌کند؛ تقدیر خوب را، حیف و خراب کرده، رزق خودش را بُریده است.

شب‌های قدر و تقدیر مناسب

نکتهٔ بعدی این است که، هر کدام از ما به تقدیرهای مناسب احتیاج داریم، مثلاً برای چشم، تقدیر خوب می‌خواهیم که خوب ببیند و یا اندام‌های بدن اندازهٔ خوب و مناسبی داشته باشند. در بدنمان میلیون‌ها تقدیر وجود دارد که بهترینش را می‌خواهیم. در مورد رزق و روزی، بهترین تقدیرها برای ما، لقمهٔ حلال، پاک و با برکت می‌باشد. در مسائل اقتصادی می‌خواهیم وابسته به کسی نباشیم، از پس مخارج زندگی مان برآئیم و به دیگران و در راه دین انفاق کنیم. عده‌ای کار خیر انجام می‌دهند، چون ظرفیت ندارند، دچار عجب، خودپسندی، خودشیفتگی و طلب‌کاری از خدا و معصومین : می‌شوند، ان‌شاءالله برای ما

این نوع عبادتها و کارهای خیر، تقدیر نشود؛ بلکه چیزهایی تقدیر شود که به نفع ما باشد. بتوانیم از مستحبات و عبادات استفاده کنیم و عبادتهایی که ما را از خداوند دور کند، تقدیرمان نشود.

در بعضی موارد، نعمتهایی را خداوند تبارک و تعالی به شخص می‌دهد؛ اما او با بی‌لیاقتی و شکر به جا نیاوردن، معنویت‌ها و نعمتها را هدر می‌دهد، همسر و فرزند خوب را ضایع می‌نماید، سلامتی را از بین می‌برد، استاد را تباه می‌کند و خانوادهٔ آسمانی را از خودش دور می‌کند.

پس ما به بهترین تقدیرها احتیاج داریم، ولی باید در نظر داشته باشیم که اندازه‌ها، فوق‌العاده مهم هستند. تعدادی از تقدیرهایی را که در دعاها آمده می‌دانیم؛ اما ممکن است، ظرفیت این‌ها را هم نداشته باشیم. دعاهایی داریم که خیلی عالی و جزء بهترین تقدیرها هستند؛ به شرط آنکه خداوند صلاح بداند و به ما بدهد، چون ما احاطهٔ کامل نداریم که بدانیم بهترین تقدیرها برای ما چیست! گاهی از خداوند رزق وسیع درخواست می‌کنیم، ولی این رزق باعث می‌شود که از خدا دور شویم. گاهی به خدا می‌گوییم: خدایا! تقدیر کن که در کنکور ارشد و دکتری قبول شویم، اما دریغ از اینکه قبول شدن باعث می‌شود از خدا خیلی دور شویم.



تحصیل کرده‌ها و ثروتمندان هم از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند

در جامعهٔ کنونی ما دو گروه بیشتر آسیب می‌بینند؛ یکی گروه‌هایی که آسایش، پول و ثروت بیشتری دارند، گروه بعدی، کسانی هستند که تحصیلات عالی دارند. گروه اول به محض اینکه این ثروت را دریافت می‌کنند، از خدا دور می‌شوند؛ چون برای آن‌ها غفلت می‌آورد. خداوند به آنها پول داده، که از آن برای تقرب به خدا استفاده کنند؛ اما با آوردن ماهواره به خانه، عامل غفلت، دوری و تنفر از معنویت، قساوت قلب و فساد خود و خانواده‌اش می‌شود؛ بنابراین، او لیاقت این نعمت را نداشته است.

گروه بعدی، صاحبان مدارک علمی هستند، تحصیلات بالا هم غفلت زیادی می‌آورد. فرد مشغول علم‌زدگی، استادی، شاگردی و کارهای علمی می‌شود. علم‌زدگی و عالم‌شدن، این شخص را خیلی اذیت می‌کند؛ یعنی شخص می‌گوید که وقت ندارم، باید درس بخوانم، امتحان بدهم، کار دارم. هیچ چیزی از این شخص نمی‌ماند؛ لذا افرادی که در حال تحصیلات عالی هستند، حتی در حوزه، گاهی غفلت‌زده می‌شوند. آنان از معنویت، رقت قلب، اخلاق و تخلّق به اخلاق الهی می‌افتند، مشغول خودِ علم می‌شوند، مشغول اصطلاحات می‌شوند، مثل هیئت است، بعضی‌ها هیئت‌باز می‌شوند، خود به خود در هیئت از خدا دور می‌شوند؛ چون فقط برایشان خواندن، گریه کردن، سبک و آهنگ مهم است. صورت‌ها، برایش مهم است. با صورت‌ها



مشغول می‌شود؛ ولی از معنویت خبری نیست. می‌بینی هیئتی است، نماز اول وقت ندارد یا اصلاً نماز نمی‌خواند؛ اما هیئت می‌رود، گریه می‌کند، لباس سیاه می‌پوشد، گل هم می‌زند، ولی دلش غافل است، تقوا ندارد. محرم که تمام شد، همان ماهواره، همان وضع لباس پوشیدن، همان سبک زندگی، همان لقمه درآوردن و همان اخلاق، هیچ فرقی نکرده است.

بنابراین ممکن است، عبادت هم برای انسان تقدیر شود؛ اما او از این عبادت، غفلت به‌دست می‌آورد. با وجود انجام عبادت اما تمرکز، تواضع، ادب، تخلق به اخلاق الهی، مهربانی و اخلاق خوش ندارد. روزه نصیبش می‌شود؛ اما بلد نیست از روزه استفاده کند. لذا امیرمؤمنان 7 در نهج‌البلاغه فرمود: «كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالْظَّمَا»^۱ چه بسیار روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی بهره‌ای نمی‌برد». چون بلد نیست، نه می‌خواهد و نه می‌تواند؛ علتش این است که از اول نخواست به این روزه کاری انجام دهد، فقط می‌گوید که من روزه بگیرم.



ملاک بهترین تقدیرات

ما به چه نوع تقدیرهایی احتیاج داریم؟ به تقدیرهایی احتیاج داریم که خیر دنیا و آخرت ما باشد، مثل تقدیر شادی و آرامش. دو مورد را در اندازه‌ها و تقدیرها باید دقت کرد؛ چون قرار است دربارهٔ آنها فکر کنید و شب‌های قدر آن‌ها را خدمت

۱. نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۵.

امام زمان علیه السلام برای امضاء بدهیم. در تقدیراتتان بگویید: خدایا! تقدیرات دنیایی ما را هرچه می‌دهی، در آن دو عامل باشد که علامت ایمان است؛ شادی و آرامش. خدایا! هر چه می‌خواهی بدهی، طوری به ما بده که شادی و آرامش ما از بین نرود. درباره تقدیرهای آخرتی، ما از خدا چه می‌خواهیم؟ اینکه: خدایا هرچه می‌خواهی بدهی، شب اول قبر، اول رفاه و آسایشم باشد. به قول حضرت، شب اول قبر، شب عروسی‌ام باشد. از شب اول قبر به بعد، دیگر هیچ خبری از ناراحتی، اضطراب و درگیری نباشد. خدایا! کاری کن که وقتی از اینجا به آخرت متولد می‌شوم، سالم متولد شوم؛ این خیلی مهم است.

فصل دوم

مروری بر بحث گذشته

قرآن، منبع شناخت بهترین تقدیرها
تقسیم‌بندی قدرهای انسان از منظر قرآن

۱ و ۲. قدرهای جمادی و بدتر از جماد

۳. قدرهای حیوانی

۴. قدرهای پست‌تر از حیوان

۵. قدرهایی شیطانی

۶. قدرهایی انسانی



انواع قدرها



مروری بر بحث گذشته

مقدماتی را در فصل گذشته عرض کردیم؛ اینکه شب قدر یعنی شب اندازه، ملائکه، روح و امام زمان علیه السلام، که ولیّ امر است، در این شب نقش حیاتی دارند. در این شب، کل امر تعیین می‌شود. کل امر یعنی، همه تقدیرات مربوط به همه موجودات. تقدیرات انسان‌ها، حیوان‌ها، جمادات، گیاهان، ستاره‌ها، کیهان‌ها، کهکشان‌ها، عوالم ماوراء ماده و تمام چیزهایی که در نظام خلقت و ماسوی الله اتفاق می‌افتد، در آن شب معین می‌شود.

ما هم نیاز به تقدیرهایی داریم. در این شب‌های قدر باید بدانیم، که چه نامه عملی را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام برای امضاء تقدیم کنیم. ما باید در این چند شب تلاش کنیم،



بیشترین و بهترین تقدیرها را برای خودمان رقم بزنیم. لازم‌ه‌اش این است که از اندازه‌ها و تقدیرهای اصلی خبر داشته باشیم. از تقدیرهایی که به نعمان است. گاهی ما تقدیرهای مثبتی را از نظر ظاهر و مذهب انتخاب می‌کنیم؛ ولی چون بلد نیستیم آن استفاده کنیم، خراب می‌شود و شیطان به آن تقدیر مثبت، آفت می‌زند و خرابش می‌کند. گاهی ما تقدیرهای منفی خدمت امام زمان علیه السلام می‌بریم و می‌خواهیم که امضاء کند. تقدیر منفی را با سبک زندگی‌مان و قلبمان می‌بریم و می‌دهیم. بنابراین، لازم است، در این شب‌ها به جای آنکه همه وقت‌مان را به عبادت بگذرانیم، بیشتر فکر کنیم و اندازه‌ها را درآوریم؛ ببینیم چه چیزی را به امام زمان علیه السلام تقدیم کنیم تا امضاء کند. مبادا! خدای نکرده تقدیر بدی را به دست حضرت بدهیم و حضرت هم با گریه و ناراحتی مجبور شود، این تقدیرها را امضاء کند.



قرآن، منبع شناخت بهترین تقدیرها

به درستی که ما نمی‌توانیم سبک زندگی‌مان را مهندسی کنیم، بنابراین به افرادی نیاز داریم، که با مهندسی دنیا و آخرت و با خود ما آشنایی زیادی دارند و ما را از خودمان بهتر می‌شناسند؛ یعنی، الله تبارک و تعالی و اهل بیت . . . برای همین در شب قدر قاعده و برنامه آمده: **(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ^۱؛ ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم).** ما در این

۱. سورة قدر / آیه ۱.



شب به فهمیدن اندازه ها و برنامه، احتیاج داریم؛ خداوند کتاب را نازل کرد که (تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ^۱ روشنگر هر چیزی باشد). همه چیز در آن هست. اگر قرار باشد که ما تقدیرها را شناسایی کنیم، باید سراغ قرآن برویم. قرآن، کتاب اندازه‌هاست. کتابی است که برای هدایت انسان، به بهترین‌های دنیا و آخرت، راهنمایی می‌کند. (كِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ^۲ کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها به نور هدایت کنی). پس قرآن آمده که مردم را به نور و نورانیت برساند و از تاریکی‌های بخش‌های حیوانی، جمادی و نباتی خارج کند و به نورانیت بخش‌های انسانی و الهی برساند. همه اندازه‌ها و قیمت‌ها در قرآن آورده شده است. ما می‌توانیم از قیمت‌هایی که قرآن داده، بهترین‌ها و مفیدترین‌هایش را برای خودمان انتخاب کرده؛^۳ آن قیمت‌هایی که شایسته ما نیست انتخاب نکنیم^۴ و روی بهترین قدرها دست بگذاریم و آن‌ها را به وجود مقدس امام زمان علیه السلام تقدیم کنیم.

اینک اگر قرار باشد من تقدیرها را نام ببرم و شما انتخاب کنید، درست نیست؛ بلکه باید ابتدا آن تقدیر و ساختاری که برای خودتان است را باور کنید و سپس، همان را سبک و مبنای زندگی خودتان قرار دهید.

۱. سوره نحل / آیه ۸۹.

۲. سوره ابراهیم / آیه ۱.

۳. مانند تقدیرهای انسان‌های بهشتی و مقرب الهی.

۴. مانند تقدیرات جهنمی‌ها و انسان‌های بد.



تقسیم‌بندی قدرهای انسان، از منظر قرآن

قرآن، برای انسان‌ها شش نوع اندازه، ذکر می‌کند و انسان‌ها را، بر اساس بخش اصلی وجودشان به تقدیرهای شش گانه تقسیم می‌کند، که عبارتند از: قدرهای جمادی، قدرهای بدتر از جمادی، قدرهای حیوانی، قدرهای پست‌تر از حیوانی، قدرهای شیطانی و قدرهای انسانی، که مفصل درباره همه آنها توضیح خواهیم داد.

بخش‌ها و قوای پنج گانه انسان شامل: حس، خیال، وهم، عقل و فوق عقل می‌باشد، ما در سه بخش اول با حیوانات مشترکیم. با حسمان دنبال محسوسات می‌گردیم، آب، نان، لباس و طول موج‌ها، فرکانس‌ها، بوها و مزه‌ها را حس می‌کنیم. با خیال‌مان تصویرها، صورت‌ها، کارهای هنری و تجملات را دریافت می‌کنیم. با وهم‌مان دنبال مسائل زمینی، عشق‌های زمینی، تنفر، دوست داشتن‌ها، دشمنی‌ها، ازدواج و تکثیر نسل هستیم. بخش چهارم وجودمان عقل است که با آن دنبال اطلاعات می‌گردیم، می‌خواهیم اطلاعات حقیقی را کسب کنیم، دانشمند و عالم شویم. این چهار خصلت، فرع وجود ماست.

بخش پنجم و اصلی وجود ما، بخش فوق عقل ماست؛ که ما با آن، انسانیم. فقط به واسطه بخش فوق عقلانی است که انسان، به دنبال کمال مطلق و بی‌نهایت می‌باشد، که همان الله تبارک و تعالی است. پس هر پنج بخش ما، پنج قدر است.





شخصیت بعضی افراد، حسی است. برخی دیگر خیالی هستند. بعضی‌ها وهمی هستند، بعضی‌ها هم شخصیت‌های عقلانی دارند. عده کمتری شخصیت انسانی و فوق عقلانی دارند. این موارد بخش‌ها و قوای پنج‌گانه وجود انسان است. حال به سراغ تقدیرهای شش‌گانه می‌رویم.

۱ و ۲. قدرهای جمادی و بدتر از جماد

قرآن، مبنای تقسیم‌بندی خود را این‌گونه بیان می‌کند: بعضی از شما دلتان، یعنی بخش اصلی شخصیت شما، به‌جای اینکه دنبال الله باشد دنبال جمادات است، بنابراین به همان اندازه ارزش دارد: (ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ؛ سپس دل‌های شما بعد از این [واقعۀ] سخت گردید، همانند سنگ). بعضی‌ها فقط به اندازه سنگ قیمت دارند؛ یعنی شخصیت‌شان بیشتر از سنگ نیست و بعضی‌ها از سنگ هم پایین‌تر هستند. (أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً؛ یا سخت‌تر از آن)؛ چرا سخت‌تر از سنگ هستند؟ قرآن می‌فرماید: سنگ خواصی دارد که دل‌های شما ندارد. می‌گوید: سنگ نرمی دارد: (وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ؛ از برخی سنگ‌ها، جوی‌هایی بیرون می‌زنند). بعضی‌ها این‌قدر باز می‌شوند، که از دلشان نهر بیرون می‌آید، و به آب اجازه می‌دهند که از وجودشان رد شود، بعضی‌ها یک‌دره سخت‌تر هستند: (وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ؛ و پاره‌ای از آنها می‌شکافد و آب از آن خارج می‌شود)؛



شکاف کوچکی برمی دارد، بالأخره اجازه می دهد آب کم کم از آن بیرون آید. (وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ^۱ و برخی از آن ها از بیم خدا فرو می ریزد). بعضی از سنگ ها خشیت دارند؛ وقتی اسم خدا را می شنوند، تأثیر می پذیرند، با اسم خدا می لرزند و فرو می ریزند، یعنی اسم خدا برایشان مهم است.

پروفسور ایموتو، دانشمند ژاپنی می گوید: وقتی من به مولکول آب می گویم «الله»، یک شکل خاصی به خود می گیرد. وقتی می گویم «شیطان»، شکلی دیگر می شود، زمانی که برایش قرائت قرآن می گذارم، به یک شکل در می آید، وقتی موسیقی هوی متال می گذارم، حالتی دیگر می شود و با موسیقی پاپ تغییر حالت دیگری دارد.

پس سنگ ها، اتم ها و مولکول ها شعور دارند؛ چون همه مظهر خدا هستند و در مقابل شنیدن اسم خدا از خودشان عکس العمل نشان می دهند. قرآن می گوید، دل های شما این طور نیست؛ لذا می فرماید: «دل های بعضی از شما به اندازه سنگ است». اگر کسی همین سنگ نرم هم باشد، خوب است؛ ولی می بینی، اشک و آه و سوز ندارد، قساوت قلب همه وجود این آدم را گرفته، اشکی از چشمش نمی آید، نمی تواند گریه درست و حسابی کند. لذا فرمود: هیچ چشمی خشک نمی شود، مگر به دلیل قساوت و سنگ دلی. اجازه بیرون آمدن اشک از چشم را نمی دهد، دوست دارد گریه کند و اشک بریزد؛ ولی نمی تواند. امام علی 7 فرمود: «هیچ قلبی قسی نمی شود،





مگر به دلیل کثرت گناه^۱. گناه زیاد، قساوت می آورد؛ قساوت هم برای انسان، خشکی چشم می آورد.

یکی از تقدیرهایی که باید در شب های قدر بخواهیم، این است: خدایا! دل ما را نرم کن، اشکی بیاید، تا ذره ای از این حالت سنگ دلی و سخت دلی کاسته شود.

قرآن می فرماید: (أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً؛ یا [دل هایتان] سخت تر از سنگ است)؛ دل های بعضی افراد، از سنگ هم قسی تر است. کلمه قساوت را می آورد؛ یعنی سخت تر است، سنگ خشیت و نرمی دارد، ولی دل آنها این حالت ها را ندارد.

۳. قدرهای حیوانی

پس تا اینجا دو قدر از قرآن را بیان کردیم. قدر بعدی، قدر حیوانی است. قرآن می فرماید: (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ؛^۲ آنان همانند چهارپایان اند). بعضی افراد مثل چهارپایان هستند؛ یعنی زندگی حیوانی دارند، در حد کمالات حیوانی، که این هم خیلی محترم است. ما حق نداریم، سنگ ها، گیاهان و حیوانات را تحقیر کنیم؛ چون آنها، از بسیاری از افراد برتر هستند، روز قیامت، ممکن است ببینی، حیواناتی که در دنیا داشتی، اسبت، پرنده یا ماهی، به بهشت وارد شوند و تو با حسرت نگاه کنی و بهشتی نباشی. پیامبر ﷺ فرمود: «رَبِّ مَرْكُوبٍ خَيْرٌ مِنْ رَاكِبِهِ

۱. «مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ» (صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۸۱).

۲. سوره اعراف / آیه ۱۷۹.





لَا تَنْهَ أَكْثَرَ ذِكْرًا مِنْهُ؛^۱ چه بسیار مرکب‌هایی که از صاحبانشان بهترند؛ چون ذکرشان بیشتر از صاحبشان است». حیوانات نماز دارند، ولی چه بسا صاحبش نماز ندارد. حیوانات نمازشان را اول وقت می‌خوانند و تأخیر نمی‌اندازند. البته حیوانات هم می‌توانند معصیت کنند؛ ولی بیشترشان معصیت نمی‌کنند و در کار خدا تخلف ندارند. حیوانات امانت‌دار هستند؛ غیرت ناموسی دارند. بعضی افراد، غیرت ناموسی ندارند، با هر پوششی بیرون می‌روند، هر جا و به هر سبکی زندگی می‌کنند. حیوانات حیا دارند؛ بسیاری از کارهایشان را مخفی انجام می‌دهند. آنها روح خدمت به هم‌نوع و حتی غیر هم‌نوع دارند؛ لذا می‌فرماید: (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ؛ بعضی‌ها مثل حیوان هستند). پس اگر کسی کمالات مثبت حیوانات را داشت، تازه هم‌رتبه آنها می‌شود، ولی اگر آنها را هم نداشت، از حیوانات هم پست‌تر است؛ که این دسته، در قدر چهارم قرار می‌گیرند.



۴. قدرهای پست‌تر از حیوان

دسته چهارم، (بَلَّ هُمْ أَصْلُ؛^۲ بلکه گمراه‌ترند). بعضی افراد از حیوان هم پایین‌تر هستند؛ چون حیوانات یک‌سری خصوصیت‌های خوب دارند، به‌طور مثال عبادات، کارها و وظایفشان را به موقع انجام می‌دهند؛ ولی این افراد اصلاً

۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. سوره اعراف / آیه ۱۷۹.



این‌طور نیستند، تعهد و مسئولیت خانوادگی ندارند، این اشخاص اصلاً به خانواده، همسر و فرزندان‌شان هیچ نوع تعهدی ندارند. پیامبر ﷺ فرمود: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَعْمَلُ؛ ملعون است، ملعون است کسی که زیر دست خودش را ضایع کند». فرقی ندارد که این زیردست، خانواده، زن و فرزندان فرد باشند یا زیرمجموعه یک مدیر. حیوانات این کارها را نمی‌کنند. حیوان گاهی برای دفاع از حریم ممنوع، فرزند و خانواده‌اش، جان‌ش را فدا می‌کند؛ یعنی این‌قدر وفادار است.

۵. قدرهای شیطانی

در قدر پنجم می‌فرماید: (شَیَاطِينُ الْإِنْسِ؛^۲ شیطان‌های انسی). شخصیت بعضی‌ها شیطانی است؛ یعنی مثل شیطان می‌مانند، حتی مثل حیوانات هم نیستند. گفته می‌شود: این فرد ظاهر، پوشش، لباس، شخصیت، منش، فرهنگ زندگی و محتوای خانه‌اش، شیطانی است. می‌بینی ماهواره روشن است، زن، همسر و فرزند به گناه نزدیک می‌شوند، اینترنتِ آلوده و کنترل نشده، باز است، و باعث انحراف آنها می‌شود، فیلم‌های غیراخلاقی، موسیقی‌های نامناسب، مسافرت‌های حرام، مهمانی، تولد و عروسی‌های آلوده به گناه، همه‌اش شیطانی است؛ یعنی اگر با این آدم، معامله کنی، ازدواج کنی یا رفیق شوی، از خدا

۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۵.

۲. سوره انعام/ آیه ۱۱۲



دور می‌شوی. او غافل است و سبک زندگی‌اش موجب غفلت اطرافیانش هم می‌شود. چه بسیار دختران مؤمن و متدینی که با بی‌دقتی در انتخاب همسر، وارد یک زندگی غافلانه شدند، ابتدا حجاب و بعد بسیاری از ملزومات دین را زیر پا گذاشتند. (شَیَاطِینَ الْإِنْسِ)؛ یعنی آدم‌هایی هستند که مبارک نیستند، همین‌که به آنها نزدیک شوی، باید سبک زندگی غیردینی، غیر الهی، غیر انسانی و در یک کلمه سبک زندگی شیطانی را بپذیری. همین‌که با او، رفیق شدی، باید فاتحه خانواده آسمانی، سعادت و آرامشت را بخوانی، این‌ها «شیاطین انسی» هستند. تقسیم‌بندی انسان‌ها براساس محبت و سبک زندگی آنها است. شیاطین انسی سبک زندگی شیطانی را دوست دارند، این‌ها ادعا می‌کنند که ما مسلمانیم و مؤمن و ظواهر دینی را رعایت می‌کنند؛ اما در باطن سبک زندگی و خواهش‌های طبیعت‌گراها را دارند! جزء فطرت‌گراها نیستند. مثلاً دلشان، برای گناه لک می‌زند، در واقع خوششان می‌آید شرایطی فراهم شود که معصیت کنند. در قم، مشهد و زیارتگاه‌ها، یک آدم است، در شهرهای دیگر جور دیگری است. در ماه رمضان به یک سبک عمل می‌کند و در ماه‌های دیگر به طریقی دیگر، اصلاً عبادت، نماز، خدا و مسجد فقط در همین ماه است، غیر از ماه رمضان و محرم نمی‌توانی او را در پیشگاه خدا پیدا کنی، باقی ماه‌ها در جهنم زندگی می‌کند.

قرآن، انسان‌ها را براساس سبک زندگی‌شان تقسیم می‌کند. خدا کاری ندارد، تو نماز می‌خوانی، مسجد می‌آیی، مکه

رفتگی، خدا می‌گوید: سبک زندگی‌ات چیست؟ طبیعت‌گرایانه است یا فطرت‌گرایانه؟ این پنج قدر را که بر پایه سبک زندگی طبیعت‌گرایی است و توضیح آن گذشت، نباید در این شب‌های قدر به دست امام زمان علیه السلام بدهیم. این زندگی‌ها به درد نمی‌خورد.

شما دائم جوشن کبیر، جوشن صغیر و نماز صد رکعتی بخوان، گریه و عزاداری کن؛ ولی وقتی نامه‌ای که به دست حضرت می‌دهی بر پایه، همان سبک زندگی حیوانی است، حضرت هم با گریه مجبور است، همان را امضاء کند، زیرا انتخاب توست و خودت این گونه می‌خواهی زندگی کنی. حضرت می‌فرمایند، اگر می‌خواهی سبک زندگی‌ات را تغییر بده تا آن را امضاء کنم. سال بعد زندگی خوب و سبک زندگی الهی داشته باش، همین چند شب فرصت داری که گناهانت را کنار بگذاری و توبه کنی. به خدا بگو: «خدایا! من می‌خواهم انسان باشم و سالم و شاد به برزخ متولد شوم، نمی‌خواهم آنجا کم بیآورم.» پس باید این پنج سبک زندگی را کنار بگذاریم، این سبک زندگی‌ها خوب نیست. انتخاب بهترین سبک و تقدیرها، مهارت می‌طلبد و نیاز به آگاهی و تخصص دارد.

۶. قدرهای انسانی

قدر ششم چیست؟ قرآن می‌فرماید: از بین همه آدم‌هایی که، سنگ‌اند یا کمتر از سنگ، حیوانند یا کمتر از حیوان، گروهی هم شیطان‌اند و عده کمی انسان هستند. همه انسان‌ها، سرمایه



انسانی‌شان را از دست می‌دهند. پیامبر ﷺ فرمود: «مسلمان‌ها روز قیامت به صورت ده نوع حیوان محشور می‌شوند».^۱ این‌ها دچار خسران بودند، صد شب قدر هم که بر آن‌ها بگذرد، نمی‌توانند در این تقدیرها، یک شب آدمیت را از امام زمان عجل الله تعالی فرجه بگیرند. در تقدیرشان لحظه‌ای زندگی انسانی نداشته‌اند. (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)^۲ سوگند به عصر که واقعاً انسان دست‌خوش زیان است). همه در حال خسرانند. خسر یعنی، اصل سرمایه را از دست می‌دهد. روزبه‌روز پول دریافت می‌کند، حیوان‌تر می‌شود. تحصیلاتش بالاتر می‌رود و سوادش بیشتر می‌شود ولی از خدا دور‌تر می‌شود. ویلا، خانه، چند اتومبیل، کارخانه، همسر، فرزند و پس‌انداز دارد؛ ولی آدمیتش را از دست داده. آن وقت عده‌ای، این سبک زندگی را دوست دارند؛ یعنی ماشین مدل بالا در خیابان می‌بینند، حسرت می‌خورند، زندگی‌های حیوانی را دوست دارند. کسی حسرت زندگی دیگران را می‌خورد و به دنبال چشم و هم‌چشمی و رقابت است، که یادش رفته انسان است و قیمت‌ها و قدرها دستش نیست. فردی به دیگران حسودی می‌کند، که فراموش کرده خودش می‌تواند پرواز کند و با حسادت فقط خود را در جهنم فرو می‌برد.

عده‌ای هم واقعا آدم هستند؛ (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا)^۳ مگر کسانی

۱. ملا فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۵، ص ۲۷۵ و مجمع البیان ذیل آیه ۱۸ سوره نبا.

۲. سوره عصر/ آیات ۱ و ۲.

۳. سوره عصر/ آیه ۳.

که ایمان آورند)؛ ایمان یعنی، دلش به ارزش‌های انسانی مطمئن است و امنیت پیدا می‌کند. امنیت و آرامش یعنی، دل به ماورای دنیا خوش باشد و ماورای دنیا بتواند به انسان قدرت و شادی دهد؛ غیب، خانوادهٔ آسمانی، اهل بیت، خدا و فرشته‌ها بتوانند به او آرامش دهند. نگوید: من بدبختم، من بیچاره‌ام و در زندگی‌اش احساس ناامنی کند، این احساس‌ها، یعنی خودش را باخته، او همه چیز را در همین دنیا، جسم، ماده، کمالات طبیعی و وهمی می‌بیند. لذا اگر کمالات نفسانی و دنیوی از دستش برود، غصه می‌خورد، افسرده و پژمرده می‌شود. مؤمن این‌گونه نیست؛ مؤمن با مسلمان فرق دارد. الان همهٔ ما می‌گوییم: مرده، با ما کاری ندارد و قبول داریم. ذهن ما این را پذیرفته که مرده حرکت نمی‌کند، یعنی: اسلام آوردن و تسلیم شدن. ما قبول داریم که مرده با ما کاری ندارد. ولی آیا کسی می‌تواند شب به قبرستان برود؟ نه، چون فکر می‌کند اگر الان سر قبری برود، شاید یک دست از آن قبر بیرون بیاید و او را داخل ببرد. می‌ترسد! توهم برش می‌دارد و عقلش دیگر کار نمی‌کند. همان عقلی که قبول کرده بود مرده حرکت نمی‌کند، در این قبرستان تاریک، قدرت ندارد که به دادش برسد، پس او از مرده می‌ترسد. این را مسلمانی می‌گویند؛ یعنی تسلیم شدن، که غیر از ایمان است. مرده‌شوی، مؤمن است و احساس امنیت دارد. او می‌داند، مرده کاری ندارد. دلش کاملاً آرام است. شب به راحتی در قبرستان خوابش می‌برد؛ خواب مرده نمی‌بیند، در شب هم نمی‌ترسد؛ تا صبح می‌ایستد و کار می‌کند، پیش





مرده می‌خواهد، کنار میّت چایی‌اش را هم به راحتی می‌خورد. مؤمن، آرامش دارد.

فردی که خدا را قبول کرده، آرامش دارد. خدا کنارش هست. خدا و خانواده آسمانی‌اش در همه حال او را می‌بینند؛ لذا نمی‌تواند بد اخلاقی و گناه کند. تا می‌خواهد عصبانی شود، یک دفعه می‌بیند در خانه چشم‌های زیادی او را نگاه می‌کنند، خدا، ائمه و فرشتگان نگاهش می‌کنند. مگر جرأت می‌کند عصبانی شود؟ مگر جرأت دارد سر کسی داد بزند؟ کسی که ناراحت و عصبی می‌شود، امنیت ندارد.

آدم خودشیفته حقیر، از همه چیز ناراحت می‌شود. دنیا، به راحتی می‌تواند او را به گریه بیندازد. دختری به او جواب رد می‌دهد، خودش را می‌کشد. ما در این هفته، چند مورد مراجعه داشتیم که دختر، به پسر جواب منفی داده بود، پسر می‌گفت: حالا که این نشد؛ دیگر، نه خدایی هست، نه دینی هست، نه پیغمبری هست، من دیگر نماز نمی‌خوانم. پس خدا، به اندازه آن دختر هم برایش قیمت ندارد؟

علی 7 فرمود: «مَا رَأَيْتَ ذُلًّا مِثْلَ اشْتِغَالِ قَلْبِي بِفَارِقِ الْقَلْبِ مَنِيٍّ^۱؛ هیچ ذلتی را مثل این ندیدم که دلم به کسی مشغول باشد که دلش با من نیست». دوستم نداری، نداشته باش، خداحافظ. مؤمن می‌گوید: اگر ما را نمی‌خواهید، دعایتان می‌کنیم، به سلامت! من اصلاً گدای عاطفه کسی نیستم. هیچ کس نمی‌تواند، مرا تحقیر کند. هر کس می‌خواهد با

۱. حلی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۶.

من رفاقت کند، با او رفاقت می‌کنم. برایم تب کند، برایش می‌میرم. عیبی ندارد، این خیلی خوب است؛ ولی اگر کسی بخواهد گروکشی کند و خودش را عقب بکشد و ناز کند، اصلاً من کسی نیستم که این قدر ذلیل و خوار زندگی کنم. مؤمن اصلاً این‌طوری نیست، مؤمن همه قیمت‌ها را از بالا و خانواده آسمانی خود دریافت می‌کند، اصلاً از پایین و بخش‌های حیوانی چیزی نمی‌گیرد، گدای پایین و سبک زندگی پایینی‌ها نیست.

فصل سوم

مروری بر بحث گذشته

نقش دعا در تقدیرات انسان

شکر نعمت، از عوامل مؤثر بر تقدیرات شب قدر

تقدیرات شب قدر به تناسب خود آگاهی

طراحی سبک زندگی به همراه نقشه و برنامه‌ریزی

جذب تقدیرات منوط به سطح فکری انسان



**شب قدر، فرصتی مهم برای
خودسازی و تغییر سبک**

مروری بر بحث گذشته

بحث ما، دربارهٔ شب قدر بود. قدر یعنی؛ منزلت، اندازه و رتبه. گفتیم: در شب قدر، مقدرات تمام موجودات عالم از انسان، حیوان، گیاه و جمادات گرفته تا ماه، خورشید، ستاره‌ها، کیهان‌ها، کهکشان‌ها و عوالم ماورای طبیعت رقم می‌خورد. دربارهٔ انسان گفتیم، همه اسباب و علل جمع هستند؛ فرشتگان و روح، قوای عالم‌اند. کتاب خدا، برنامه تشریعی و کتاب اندازه‌های زندگی ماست. وجود مقدس صاحب امر، که کل امر برای امضاء خدمت ایشان نازل می‌شود. (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ). همهٔ این‌ها، منتظر داده‌های ما هستند. ما باید در این شب‌ها، یک سلسله داده‌هایی را از روی صدق نیت و راستی،



به امام زمان علیه السلام تقدیم کنیم.

پیشتر بیان کردیم؛ اگر بخواهیم بهترین تقدیرها را برای خودمان رقم بزنیم، که ارزشی بیش از ۸۳ سال و چهار ماه داشته باشد، که هم در نظام دنیایی تا سال آینده تقدیرهای خوبی داشته باشیم، هم در نظام اخروی و معنوی؛ باید با اندازه‌ها و قدر خودمان آشنا باشیم تا بتوانیم، عالی‌ترین تقدیرها را بخواهیم.

قدرهایی را که قرآن کریم برای انسان برمی‌شمرد، شش‌گونه است: قدر سنگی، قدر کمتر از سنگ، قدر حیوانی، قدر کمتر از حیوان، قدر شیطانی و قدر انسانی، که برابر است با قدر ایمانی.

گفتیم از نظر قرآن کریم فقط مؤمن، باطن انسانی دارد. غیر مؤمن، هیچ باطنی از انسانیت ندارد و در یکی از آن پنج گروه، تقسیم‌بندی می‌شود. درباره انتخاب ایمانی و انسانی، در دعای مکارم الأخلاق امام سجاد 7 این را می‌خوانیم: «بَلِّغْ يَإَيُّمَانِي أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ؛ خدایا ایمان مرا به عالی‌ترین درجات ایمان برسان». لذا، هر نوع تصمیمی برای خودتان در شب‌های قدر بگیرید (به معنای حقیقی از روی جدّ و صداقت) وجود مقدس آقا امام زمان علیه السلام آن تقدیرات را امضاء می‌کند. پس این ما هستیم که نقش زیادی در تقدیراتمان داریم، (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛^۱ خدا حال هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند). خداوند، هیچ وقت





سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه خودشان بخواهند آنچه را که مربوط به خودشان است، تغییر دهند.

بنابراین، آن بخش از تقدیرها را که مربوط به ما و قابل تغییر است، باید جدی بگیریم. یک سلسله اموری در عالم وجود دارد که مربوط به ما نیست، ما تعیین نمی‌کنیم و تعیین نکردیم، یک سلسله اموری که در ما یا در روند زندگی ما تأثیر می‌گذارند، آن‌ها به هیچ وجه به دست ما نیست؛ اما آن بخشی که به دست خود ماست، مثلاً تعیین روش و سطح زندگی و... می‌توانیم تعیین کنیم، که چه سطحی از بخش انسانی یا از بخش‌های پنج‌گانه دیگر را داشته باشیم. پس باید بهترین را انتخاب کنیم. روزی، تنبلی، نشاط، تمام این مسائل در تقدیرهاست، حتی اینکه تنبل و تن پرور باشیم یا زرنگ و چابک باشیم یا تیزهوش و باهوش، همه بستگی به این دارد که، ما آن را بخواهیم. پس باید تعیین کنیم که، چطور آدمی می‌خواهیم باشیم و چه سالی را می‌خواهیم در پیش داشته باشیم؟



نقش دعا، در تقدیرات انسان

چند عامل وجود دارد که در تقدیر ما مؤثر است. این موارد را به صورت کلی عرض می‌کنم. (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ)؛ یعنی همه چیز را می‌توانیم بخواهیم و تعیین کنیم. باید درباره کل امر فکر کنیم، که همه جنبه‌های وجودی را بگیریم. شاید این کار سختی باشد؛ اما علت اینکه دعاها شب‌های ماه رمضان وارد



شده، همین است. نباید از کنار آنها ساده رد شویم. دعاهایی که در سحر وارد شده با دعاهایی که در روز و شب وارد شده، تفاوت دارد.

این دعاها، برای انسان تنظیم شده. برای اینکه بتوانیم از بهترین تقدیرها برخوردار شویم و بهترین پروازها تا عالی‌ترین مقام‌ها را داشته باشیم، معصومین : مجموعه‌ای از مهارت‌ها و دعاها را به ما یاد دادند؛ دعاهایی، که در مفاتیح است، مانند: دعا‌های ماه رجب و شعبان و دعا‌های دیگر، این دعاها به طور قطع با ما سازگاری دارد.

حتی اگر خودمان دست به دعا ببریم، نمی‌توانیم به این کاملی و با این همه جنبه‌های گوناگون دعا کنیم. در (مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) همه چیز هست. هر چیزی که مربوط به انسان است، در دعاها آمده. بنابراین فرد باهوش، به هیچ وجه، از داده‌های عالی‌ترین و کامل‌ترین انسان‌ها غفلت نمی‌کند، مثل اینکه شما با مربی کوهنوردیتان، به کوه رفته‌اید، حادثه‌ای اتفاق می‌افتد؛ شما برای تصمیم‌گیری به او نگاه می‌کنید که او در این موقعیت چه تصمیمی می‌گیرد، شما هم همان کار را می‌کنید، این بهترین انتخاب است.

زیرک، کسی نیست که سعی می‌کند بهترین خواسته‌ها را با توانمندی خود بیاید، بلکه زیرک‌ترین افراد در این شب‌ها، به دنبال این هستند که؛ انسان‌های برجسته و بزرگ، کامل‌ترین انسان‌ها و حتی خود امام زمان علیه السلام برای ما چه چیزهایی را لازم می‌دانند و از خداوند می‌خواهند، او نیز عالی‌ترین تقدیرات را



از دعاها بیرون می‌کشد و با صداقت، آن‌ها را از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد. در شبهای قدر، دعا‌های روز و شب و سحر که در مفاتیح وارد شده را بخوانید. در بین تقدیرهای موجود، هیچ دعایی به اندازه دعا‌هایی که در شب وارد شده قدرت ندارد. دعا‌های سحر، فوق‌العاده قوی‌اند. دعا‌های روز هم خیلی قدرتمند هستند؛ ما نه از دعا‌های سحر بی‌نیاز هستیم، نه از دعا‌های روز، ولی به دعا‌های شب، بیشتر احتیاج داریم؛ یعنی ادعیه‌ای که در شب وارد شده، مرتبه بالاتری است، افق و بُرد پروازیِ خیلی خاص و ویژه‌ای دارد، که ما باید از آن استفاده کنیم.



شکر نعمت، از عوامل مؤثر بر تقدیرات شب قدر

یکی از آن چیزهایی که در تقدیرهای سال بعد خیلی مهم و تعیین‌کننده است، «شکر» است. انسان‌هایی که از خدا ناراضی هستند، نق و غر زیاد دارند، کفور هستند. کفران یعنی: قدر نعمت‌هایی را که خداوند تبارک و تعالی به او داده، نمی‌داند یا بلد نیست، عرضه ندارد، از آن‌ها استفاده کند. کفران؛ خوب و درست استفاده نکردن از نعمت است.

خداوند بر این اساس می‌فرماید: **(لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛^۱**
اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، شما را افزون خواهم کرد)؛ اگر **شکرگزار** باشید، اگر شکر نعمت کنید، به افزایش می‌رسید.



نمی‌فرماید: نعمتتان را افزایش می‌دهم، می‌فرماید: خودتان اضافه می‌شوید، یعنی بزرگ می‌شوید.

این خیلی اهمیت دارد که، انسان با چه قیمتی وارد شب قدر شود، با چه قیمتی از ماه مبارک خارج شود و سال آینده‌اش را در چه سطحی از قیمت و ارزش سپری کند؟

شکر نعمت، خیلی اثر دارد. (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ^۱) اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، شما را افزون خواهیم کرد و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود). کسی که کفران نعمت می‌کند، قدر نعمت‌های الهی را نمی‌شناسد، بلد نیست از نعمت‌های بزرگی که خدا به او داده، استفاده کند نعمت‌ها را ضایع می‌کند، چنین انسانی در معرض سلب نعمت قرار دارد. خداوند نعمت را از او می‌گیرد. پس خیلی مهم است که شما در طول سال چقدر شاکر باشید، حمد الهی را به‌جای آورید و از نعمت‌هایی که خداوند تبارک و تعالی به شما داده، استفاده بهینه کنید.

حتماً در شب‌های قدر، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه عرض کنیم: آقا! به ما هیچ چیز خوب یا بدی را بیش از آن که ما ظرفیت داریم ندهید؛ چون اگر بد باشد، وبال گردن و باعث عذاب انسان می‌شود، اگر خوب باشد، وقتی انسان ظرفیت نداشته باشد، خوب را به بد تبدیل می‌کند؛ مانند: پول، شهرت، آبرو، عزت و محبوبیت و حتی عبادتی که ظرفیتش را ندارد.

امام سجاد 7 در دعای مکارم الاخلاق به خداوند عرض

۱. سورة ابراهيم / آیه ۷.



می‌کند: «وَلَا تُحَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَحَدَّثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدَرِهَا؛ برای من هیچ عزّت آشکاری ایجاد مکن، مگر آنکه به همان مقدار پیش خودم ذلّت نفس عنایت کن». خدایا! اگر قرار است، پیش مردم آبرو و عزت ظاهری‌ام بیشتر شود، حتماً به همان اندازه‌ای که عزت من بیشتر می‌شود، مرا پیش خودم پایین بیاور.

خدا نکند که انسان پیش مردم بالا برود، در وجودش این را باور کند و خودش هم پیش خودش بالا برود، مشهور شود و مورد توجه قرار گیرد. اینجاست که شخص سقوط می‌کند و راه ورودی نعمت‌ها بسته می‌شود. انسان دچار پُریِ کاذب می‌شود و دیگر جایی برای دریافت نعمت ندارد و این بسیار خطرناک است.

نعمتی که انسان را پُر می‌کند، هر چیزی که باشد مانند: نماز شب، خدمت به مردم، عزت، آبروی معنوی و هر چه که انسان را پر کند، راه دریافت را به روی انسان می‌بندد. خدا نکند انسان دچار خودبینی، خودپرستی، عُجب، خودشیفتگی و... شود. خدا نکند، انسان به حالتی که دارد، راضی شود. علی 7 فرمود: «لَا مُصِيبَةَ كَاسْتِهَاتِكَ بِالذَّنْبِ وَرِضَاكَ بِالْحَالَةِ الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهَا؛ هیچ مصیبتی، مانند این نیست که تو (انسان) گناهت را کوچک بشماری و به حالتی که داری، راضی باشی». این یعنی پُرشدن و بسته‌شدن. کسی که در شب قدر، حواسش به خودش هست، کسی که می‌داند، خودش را تخلیه نکرده، پُر



از کمالات وهمی، حسی، خیالی و عقلانی است، پر از احساس قرب و عبادت و طلبکار بودن از خداست، وقت دعا هیچ چیزی دریافت نمی‌کند؛ وقتی می‌خواهد چیزی بگیرد، می‌گویند این پُر پُر است؛ باید در همین شب‌ها چاره‌ای بیندیشد.

زیرک‌ترین افراد، گداترین افراد در شب قدر هستند؛ یعنی کسانی که با تمام وجودشان می‌گویند: «لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاتًا وَلَا نُشُورًا؛^۱ سود و زیان و مرگ و زندگی و رستاخیز خویش را در اختیار ندارم»؛ خدایا من هیچ چیز نیستم. برای همین در هر سه شب قدر این دعا وارد شده: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ لَكَ عَبْدًا دَاخِرًا لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا أَصْرِفُ عَنْهَا سُوءًا؛^۲ بار خدایا من در حالی به شب وارد شدم، که بنده آستان بوست هستم که مالک سود و زیانی نیستم و نتوانم بدی را از خود برگردانم». شما با این دعا باید خودتان را تخلیه کنید، خیلی دعای مهمی است. حتما در شب‌های قدر این دعا را بخوانید و خودتان را تخلیه کرده و برای دریافت نعمتهای فراوان شبهای قدر گنجایش پیدا کنید.

خدا نکند، انسان چیزی با خودش داشته باشد و بگوید: من با دست پُر می‌خواهم بروم و چیزی بگیرم بلکه باید بداند. «لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا؛ مالک هیچ سودی نیستم»؛ و بگوید خدایا! من هیچ عرضه‌ای ندارم، تا بدی‌ها را از خودم دور کنم. من مصلحت‌هایم را خوب نمی‌شناسم و ممکن است، چیزی بخواهم

۱. قمی، مفاتیح الجنان، تعقیبات نماز عصر.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، اعمال مشترک شب‌های قدر.



که به ضررم تمام شود، یا از چیزی بدم بیاید؛ ولی به نفعم باشد. بنابراین، خیلی مهم است که انسان چگونه برود و تقدیرش را به امضای حضرت برساند. ما نباید به جایگاه خودمان راضی باشیم، باید این حدها را بشناسیم. پس در شبهای قدر ظرفیت افراد خیلی مهم است؛ و اینکه با چه ظرفیتی وارد شب قدر می‌شوند. اگر کسی بگوید: من خیال پروازهای بلند دارم، خیال تغییر سبک زندگی و سطح پرواز دارم؛ اما هیچ چیزی هم ندارم و دستم خالی است، این خیلی خوب است.

این نکته خیلی اهمیت دارد که، در طول سال گذشته تا الان، از خودت لیاقت و قابلیت نشان دادی، نعمت‌ها را خراب نکردی. این موارد به تصمیم ما بستگی دارد که واقعاً چقدر می‌خواهیم از خودمان لیاقت نشان دهیم. این‌ها به ما قابلیت می‌دهد، تا بتوانیم از شب قدر بهترین استفاده‌ها را بکنیم؛ البته بعد از اینکه، انسان قیمت خودش را شناخت و فهمید که انسان یعنی چه؟

تقدیرات شب قدر به تناسب خودآگاهی

وقتی انسان فهمید که خود حقیقی او، آن بخشی از وجود اوست که عاشق الله می‌شود، زمانی که خود حقیقی‌اش را شناخت؛ باید تقدیراتش را به اندازه و براساس خود حقیقی‌اش درخواست کند؛ نه براساس خود حیوانی‌اش.



کسی که شب قدر بزرگ‌ترین آرزویش داشتن همسر یا شفای بیماری یا پول است، قطعاً با قیمت واقعی، به تقدیر وارد نمی‌شود، او با قیمت‌های پایینی، به تقدیرها وارد می‌شود. این به آن معنا نیست که، این تقدیرها را نخواهیم؛ از ما می‌خواهند که همین‌ها را هم بخواهیم. اما اگر بزرگ‌ترین خواسته‌ها و دغدغه‌های فردی در همین حدود باشد و خودش را این قدر کوچک نگاه می‌کند، در نتیجه، آن تقدیری که به دست حضرت می‌دهد، کوچک خواهد بود.

انسان وقتی خود حقیقی‌اش را شناخت؛ می‌فهمد آخرت و ابدیت خوبی در انتظار اوست و چند صباح دیگر به نظام برزخی وارد می‌شود و خانواده آسمانی‌اش منتظر ورود او به برزخ هستند؛ پس همه آن بخش‌هایی، که مربوط به مسائل نفسانی است را رها می‌کند. هیچ‌کدام به دردش نخواهد خورد؛ مگر چیزی که به فوق عقل تبدیل شده باشد. اگر پول است، برای آخرتش ذخیره کرده باشد. اگر مسائل حسی، خیالی و وهمی است، از آن‌ها استفاده‌های آخرتی کرده باشد. اگر مطالعه، علم، تحصیل، درس و این موارد است، برای آخرتش فرستاده باشد و ذخیره آخرتی خود قرار داده باشد و الا بقیه، فایده‌ای برای او ندارد. فقط با بخش فوق عقل قرار است در قیامت زندگی کند؛ وای به حالش، اگر توشه‌اش کم باشد.



طراحی سبک زندگی به همراه نقشه و برنامه‌ریزی

اگر انسان بخواهد، در دنیا زندگی موفقی داشته باشد و به تعبیر قرآن شاد و آرام باشد و نیز سالم به برزخ وارد شود، باید نظام برنامه‌ریزی زندگی‌اش را، براساس ساختار بخش فوق عقلانی‌اش قرار دهد؛ یعنی نقشه داشته باشد. بدبختی‌ای که نصیب ما شده، این است که بدون نقشه، زندگی می‌کنیم. تمام حرف شب قدر این است: (لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ شب قدر برتر از هزار ماه است^۱). یک شب قدر! با تصمیم و برنامه‌ریزی، بهتر از هزار ماه بدون برنامه است. فرد از همان بچگی، جنبه گیاهی دارد، بعد حس‌های حیوانی و غریزه پیدا می‌کند. او وقتی که هوش پیدا می‌کند، دنبال مطالعه است. فقط روزبه‌روز، براساس این نیازها بزرگ می‌شود؛ اما کسی که از همان جوانی، خودش را می‌شناسد که کیست، از همان موقع، به معرفت نفس نائل می‌گردد، می‌فهمد که قیمت و حدّش چقدر است، مثل بقیه مردم زندگی نمی‌کند. او سبک و هدف‌های خاصی در زندگی دارد و بعد، تمام شئون پایینی زندگی‌اش را براساس «من حقیقی‌اش» برنامه‌ریزی می‌کند؛ به او صاحب قدر و صاحب برنامه می‌گویند.

شما هیچ‌گاه، بدون نقشه، شروع به ساختن خانه نمی‌کنید. اگر یک روز مرخصی دارید و در خانه تعطیل هستید، می‌گویید: امروز کجا برویم؟ یعنی نقشه می‌ریزید. نمی‌گویید: سوار ماشین شویم، بعد تصمیم می‌گیریم که کجا برویم. اگر کوه





بخواهید بروید، نوع وسائلی که برمی دارید، فرق دارد، پارک بخواهید بروید، فرق می کند، برنامه می ریزید، وسایل را آماده می کنید، که سفر به شما تلخ نگذرد. بزرگ ترین بدبختی ما این است که، ما برای صرف عمرمان طرح، نقشه و برنامه نداریم.

بنابر فرموده پیغمبر 9 ، روز قیامت از چند چیز سؤال می کنند، که بیش از همه مهم است؛ یکی از آنها عمر و دیگری جوانی است.^۱ خود جوانی، جزء عمر است. می توانست بفرماید، از عمر سؤال می کنند؛ اما چون جوانی نقش بسیار تعیین کننده ای دارد، جدا سؤال می کنند. وقتی پیامبر 9 می فرماید: سؤال می کنند؛ یعنی تو حق نداری، عمرت را هر طور دوست داری مصرف کنی. برای ازدواج و بچه دار شدن باید طرح و برنامه داشته باشی. کسی که قصد بچه دار شدن دارد، باید قبل از ازدواج، برنامه داشته باشد. نسلی که از تو به دنیا می آید، تا قیامت هر کاری کند، در نامه عمل تو، خوب یا بد ثبت می شود؛ نسل تو، کشتزار توست. به تعبیر قرآن حرث توست. برای نسلت باید طوری برنامه ریزی کنی، که فردا آلودگی هایش، در نامه عمل تو نیاید و فقط کمالات، فضائل و قدرت ها در نامه عملت ثبت شود.

۱. اشاره دارد به حدیث «لَا يَزُولُ إِبْنُ آدَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ خَمْسٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَ أَفْتَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَ أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ فِيمَ أَنْفَقَهُ وَمِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَمَا عَمِلَ فِيمَا عَلِمَ؛ فرزندان آدم روز قیامت قدم بر نمی دارند تا از پنج چیز از او سؤال شود؛ از عمر او که برای چه تمام کرده، از جوانیش که در چه مسیری کهنه کرده، از مالش که از کجا پیدا کرده و برای چه چیز صرف کرده و از عملی که در آن آگاهی دارد (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰).

جذب تقدیرات منوط به سطح فکری انسان

بعضی افراد، به گونه‌ای زندگی می‌کنند که در شب قدر، تقدیرهای میلیونی را دریافت می‌کنند؛ تقدیر میلیون‌ها انسان را به خودشان جذب می‌کنند؛ یعنی خوراک خودشان را که می‌گیرند هیچ؛ خوراک چند میلیون نفر را هم دریافت می‌کنند و این خوراک را در طول سال به میلیون‌ها انسان می‌رسانند. آنها در سلامت، سعادت، معنویت و احیای میلیون‌ها انسان نقش دارند. وقتی هم به برزخ وارد می‌شوند، دیگر به عنوان یک نفر وارد نمی‌شوند، به عنوان امت و جماعتی وارد می‌شوند، ثروتمند به آنجا می‌روند. اهل احسان، وقتی وارد قیامت می‌شوند، به خدا می‌گویند: خدایا! از ثواب ما، به بقیه بده تا به بهشت بروند. این قدر در روز قیامت زیاد دارد که می‌گوید: خدایا از نامه عمل من بردار، به کسانی که نیاز دارند بده، تا به بهشت بروند و هیچ کس گیر نکند.

پس شما شب قدر باید طمع و سطح فکران را بالا ببرید. نوع درخواستان، باید این باشد که؛ خدایا اول از همه من نمی‌خواهم، جزء هیچ کدام از آن پنج گروه باشم. می‌خواهم به عنوان یک انسان، تقدیرهایم را دریافت کنم و زندگی انسانی داشته باشم؛ نمی‌خواهم فقط یک نفر باشم. بعضی از آدم‌ها در نامه عملشان زیاد ثواب دارند، این ثواب‌ها را وقتی با خود به عالم دیگر می‌برند، شب اول قبر همه مصرف می‌شود و از آن به بعد، به طور مثال از شب پنجم دیگر کم می‌آورند.



شاید دیده باشید اموات خودتان یا سایر امواتی که به خواب شما می‌آیند، می‌گویند: به ما کمک کنید، چیزی به ما بدهید، ما اینجا کم آوردیم، بدبختیم، نیازمندیم؛ یک سال خوب در برزخ بوده، ولی توشه‌اش مصرف شده و کم آورده. ما قرار است تا قیامت زندگی کنیم، پس باید خیلی تقدیرها را جدی بگیریم.

بعضی‌ها می‌گویند: یعنی چه که ليلة القدر بالاتر از هزار ماه است؟ بدانید، هزار ماه را باید در برزخ مصرف کنید، به آن نیاز دارید، به قدری برزخ سخت است و اوضاع در قبر بد و خطرناک است که آدم قدرتمندی، مثل امیرمؤمنان 7 می‌گوید: «آه مِنْ قَلِّهِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ»^۱ آه از کمی توشه و طولانی بودن راه؛ بنابراین، باید خیلی حواسمان جمع باشد، که تقدیرهای قدرتمندی را دریافت کنیم، تا ذخیره دنیا و آخرتمان شود.



۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۸۰۴.

فصل چهارم

مروری بر بحث گذشته

فرصت انسان شدن را در شب قدر از خدا بخواهیم

شرط تولد سالم به آخرت

قیمت خودتان را بشناسید

خودشناسی در کلام امیرمومنان 7



شب قدر، فرصت برنامه ریزی و احیا شدن



مروری بر بحث گذشته

خداوند تبارک و تعالی، نوزده روز به ما فرصت داده؛ تا ما برای تنظیم بهترین تقدیرها تمرین کنیم؛ یعنی از آن پنج گروه که عبارتند از: سنگ و کمتر از سنگ، حیوان و پست تر از حیوان و شیاطین نباشیم؛ بلکه از گروه انسان‌ها باشیم؛ آن‌هایی که باطن انسانی دارند. خدا، زمان شب‌های قدر را هم طولانی قرار داده، که ما فرصت انتخاب سبک زندگی انسانی را داشته باشیم؛ مانند فاصله گرفتن و قطع ارتباط با سبک زندگی حیوانی، سپس توبه کردن و برنامه‌ریزی کردن برای سبک زندگی انسانی. حداقل چیزی که باید در شب‌های قدر به دست بیاوریم، این است که بتوانیم تقدیرهای یک سال زندگی انسانی را برای خود رقم بزنیم.

همان‌طور که گفته شد، بعضی از انسان‌ها علاوه بر اینکه



تقدیرهای یک سال زندگی انسانی خود را به دست می‌آورند، از خودشان ظرفیت و قابلیت نشان می‌دهند و خداوند، تقدیرهای زندگی میلیون‌ها انسان را به آنها می‌دهد. این افراد، خودشان توزیع‌کننده تقدیرهای الهی می‌شوند؛ یعنی آدم‌هایی هستند که به اندازه میلیون‌ها انسان، ظرفیت در وجودشان ایجاد می‌کنند، سپس می‌توانند هم در زمان حیاتشان و هم بعد از حیاتشان، خوراک‌دهنده معنوی به میلیون‌ها انسان باشند. تصور کنید، یک انسان چقدر باید ثروتمند باشد، که وقتی در دنیا زندگی می‌کند، می‌تواند ده‌ها میلیون انسان را خوراک معنوی دهد؟

نکند خدای نکرده، شب قدر هم بگذرد و ما هنوز نتوانسته باشیم تقدیر یک انسان را هم پیدا کنیم. سال‌ها از عمرمان گذشته و ما به اندازه یک سنگ نیستیم، که از شنیدن اسم خدا لذت ببریم و متأثر شویم و یا حتی هنوز مثل یک حیوان نشدیم که عبادتش بجاست و تمرد ندارد.

بنابراین، باید چه کار کنیم که بتوانیم تبدیل به میلیون‌ها انسان شویم؟ قرآن خیلی زیبا می‌فرماید: (تَحْنُ تُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ^۱) آری! ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند، با آثار [و اعمال] شان می‌نویسیم). ما هرچه که انسان بفرستد، می‌نویسیم و برای برزخش ذخیره می‌شود. آثار وجودی یک شخص هم همین‌طور است؛ هر کس در زمان حیاتش، میلیون‌ها اثر وجودی دارد





و خیرش به دیگران می‌رسد. برای همین درباره خصوصیات انسان حقیقی، که باطن انسانی دارد؛ یعنی مؤمن

آمده که: همه دچار خسران هستند، و اصل سرمایه انسانی را از دست می‌دهند. (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ واقعاً، انسان دست‌خوش زیان است). همه جزء یکی از آن پنج گروه هستند؛ (إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا) مگر این مومنان، که اهل عمل صالح هستند. عمل صالحشان، کثرت نفس می‌آورد، به‌خصوص که (وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛^۲ و همدیگر را به حق و به شکیبایی سفارش کرده‌اند).

من زمانی که با بعضی افراد روبه‌رو می‌شوم، خیلی تأسف می‌خورم از اینکه می‌بینم این افراد قابلیت این را دارند که به جای میلیون‌ها انسان زندگی کنند؛ اما نمی‌توانند حتی به جای خودشان هم زندگی کنند. باطنی پست و حیوانی برای خودشان درست کرده‌اند؛ درحالی که خداوند، به او امکانات و استعدادهای فراوان داده تا بتواند جای میلیون‌ها انسان زندگی کند؛ ولی او هنوز خودش را هم نمی‌تواند جمع کند؛ یعنی به‌عنوان یک آدم هم نمی‌تواند زندگی کند، چه برسد به اینکه به‌جای میلیون‌ها انسان زندگی کند! خیلی بد است، آدم ریز و کوچک زندگی کند.

خدا به بعضی‌ها، استعداد، استاد خوب و نعمت می‌دهد؛ ولی چون وابستگی زیادی به بخش‌های نفسانی دارند، استعدادشان

۱. سوره عصر / آیه ۲.

۲. سوره عصر / آیه ۳.



را در بخش‌های پایینی و نفسانی مصرف می‌کنند. بعضی‌ها به جای پانصد نفر ثروت دارند؛ می‌توانند در بخش حیوانی به جای پانصد نفر لذت ببرند و زندگی کنند؛ ولی مانند حیوان هستند و به حد آدمی نرسیده‌اند. باید یاد بگیریم، تقدیرهای انسانی انتخاب کنیم و بتوانیم به عنوان آدم زندگی کنیم؛ پس باید آثار وجودی‌تان را بیشتر کنید.

فرصت انسان شدن را در شب قدر از خدا بخواهیم

ما تا شب بیست و نهم هنوز فرصت داریم. شب عید، برای ما از لیالی قدر است. به ادعیه شب عید و روز عید دقت کنید؛ فوق‌العاده در تقدیرهای هر فردی، سازنده و تعیین‌کننده است. به همین دلیل، دعای کسب فضیلت شب قدر را، در روز بیست و هفتم می‌خوانید و می‌گویید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ خدایا امروز [که روز بیست‌وهفتم ماه مبارک است]، فضیلت شب قدر را نصیبم کن». این بسیار، فرصت خوبی است.

پس بهترین کار در شب قدر، این است که، من برای بخش فوق‌عقلانی‌ام تصمیم بگیرم، برای بخش انسانی؛ یعنی برنامه‌ریزی برای آدم شدن، باطن انسانی پیدا کردن و تبدیل شدن به چندین انسان. اگر زندگی‌ات را به این طریق برنامه‌ریزی کنی، دیگر می‌دانی چه رشته‌ای را باید انتخاب کنی، با چه کسی ازدواج کنی، روابط عاطفی‌ات را با بقیه چگونه تنظیم کنی؛ چون تو صاحب سبک زندگی هستی، می‌دانی





قرار است چه بشوی؛ ولی وقتی انسان خودش را به صورت حیوانی می‌بیند، دیگر غایت و آمالش این است که زن و یا همسر خوب و چند فرزند داشته باشد؛ این فسق است، در اصل این زندگی انسانی نیست.

اگر الله، چهارده معصوم : و جهاد در راه خدا، به ردیف بقیه نیازمندی‌های ما برسد، ما فاسق می‌شویم؛^۱ یعنی اصلاً نمی‌توانیم زندگی انسانی تشکیل دهیم.

زندگی انسانی، متعلق به کسی است که اوج لذتها و عزت‌هایش، الله، ارتباط و لذت بردن از رابطه با چهارده معصوم : و تلاش در راه آن‌هاست؛ این انسان حقیقی می‌شود. بنابراین اگر درست برنامه‌ریزی نکنیم، سالم به برزخ متولد نمی‌شویم. چرا می‌گویند؛ شب قدر از هزار ماه بهتر است؟ برای اینکه شبی است که، تو در آن برنامه‌ریزی می‌کنی و از هزار ماه بدون برنامه زندگی کردن بهتر است.

نتیجه برنامه‌ریزی خوب چیست؟ (سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ)^۲

(آن شب) تا طلوع فجر، (سراسر) سلام و درود است). نتیجه‌اش

۱. اشاره به آیه شریفه ۲۴ سوره توبه: (قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛ بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده‌اید و تجارتی که از کسادش بیمناک هستید و سراهایی را که خوش می‌دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست‌داشتنی‌تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی‌کند).

۲. سوره قدر / آیه ۵.



سلام می‌شود. یعنی؛ تو برای همیشه سالمی، امنیت داری، آسوده هستی، دیگر آسیب نمی‌بینی و زندگی سالم داری؛ ولی اگر تقدیرات را درست انجام نداده باشی، به سلام نمی‌رسی. از همین‌رو، می‌گوید: «اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا؛^۱ از دنیا سالم و درست بیرون بر».

رابطه دنیا با آخرت، مثل رابطه رحم مادر با دنیاست؛ شش نوع تولد از رحم مادر به دنیا وجود دارد، سالم، سالم قوی، ضعیف، بیمار، ناقص و معلول. همین شش تولد نیز برای روح در تولد از رحم دنیا به آخرت وجود دارد. جنین در رحم مادر فقط دو تولد به‌دردش می‌خورد. او باید در رحم، صاحب سبک باشد، چهار تولد دیگر به‌دردش نمی‌خورد، جنین باید سالم به دنیا بیاید. ما هم در رحم دنیا قرار داریم و فقط دو نوع تولد از شش تولد، برای آخرت به دردمان می‌خورد، در غیر این‌صورت اگر بمیریم، اول بدبختی‌ها، غصه‌ها و پشیمانی‌هاست. خدا نکند کسی از این دنیا برود و به حسرت بیفتد و بگوید، جوانی و عمرم را مفت تلف کردم. این حسرت مانند این نیست که، به‌طور مثال؛ شما در راه خانه تصادف کنی و یکی را بکشی، بعد چون پول دیه نداشتی، به مدت ده سال به زندان بیفتی و حسرت



۱. اشاره به حدیث: «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْخَيْرِ الْعَيْنِ وَ اكْفِنِي مَوْتِي وَ مَوْتَةَ عِيَالِي وَ مَوْتَةَ النَّاسِ وَ ادْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ شنیدم امام

صادق 7 می‌فرمود: بار خدایا! مرا بر هراس روز رستاخیز یاری نما و از دنیا سالم و درست بیرون بر، و از حور العین جفت من کن و خرج خودم و عیالم را کفایت کن و به رحمت، مرا در زمره بندگان خوبت در آور.»



بخوری. خیر! این حسرت‌ها، در برابر حسرت آخرتی، حسرت نیست. هیچ چیز بدتر از این نیست که آدم در قبر برود و بعد بفهمد، که دیگر کار از کار گذشته و همه عمری که می‌توانسته با آن جاودانگی بسازد، از دست داده. لذا می‌گوید: اصل، تولد سالم است؛ خدایا! مرا از دنیا سالم خارج کن.

شرط تولد سالم به آخرت

کسی که دنیا را، خیلی جدی‌تر از آخرت می‌گیرد، محال است، سالم به آخرت متولد شود. کسی که می‌خواهد در دنیا، به شادی و آرامش برسد و در آخرت، تولد سالم داشته باشد؛ باید آخرت همیشه در ذهنش، بزرگ‌تر از دنیا باشد. ملاک تولد سالم چه بود؟ تطبیق با شرایط زیستی دنیا. ملاک سالم وارد شدن از رحم دنیا به آخرت چیست؟ اینکه شخص در برنامه‌ریزی برای زندگی‌اش، سه هدف را بالاتر از همه اهداف نفسانی و حتی علمی‌اش بداند؛ که عبارتند از: الله، چهارده معصوم : و جهاد در راه خدا. کسی که این سه هدف در زندگی برایش عزیزتر و لذیذتر از دنیا باشد، انسان حقیقی است. دنیا چیست؟ دنیا را در این آیه معرفی می‌فرماید؛ (آبَاؤُكُمْ)؛ پدر و مادرهایتان (أَبْنَاؤُكُمْ)؛ پسرها و دخترهایتان، (إِخْوَانُكُمْ)؛ برادران و خواهرانتان، (أَزْوَاجُكُمْ)؛ همسران، (عَشِيرَتُكُمْ)؛ عشیره‌تان، (وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا)؛ و اموالی که از کساد شدنش می‌ترسید: (وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا)



تِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا) و شغل و تجارتان و نیز (و مَسَاكِينُ)^۱ خانه‌هایتان که شیفته‌اش هستید. اگر این هشت گروه برایتان محبوب‌تر از آن سه گروه باشد، دیگر از زندگی انسانی محروم خواهید بود، این نص قرآن است.

خدا صریح می‌فرماید: تو باید بی‌نهایت را به محدود ترجیح دهی، تو باید خانوادهٔ آسمانی را به خانوادهٔ زمینی ترجیح دهی. دعا‌های هر شب ماه مبارک به شما هدف می‌دهد: «أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْتُلَ بِي أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ^۲؛ خدایا من از تو می‌خواهم دشمنانت را و دشمنان پیغمبرت را به وسیلهٔ من نابود کنی». «وَقَاتِلًا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا^۳؛ خدایا! کشته شدن در راه خودت را نصیب من کن»؛ حیف است، خونم در راه غیر از تو ریخته شود. هر انسانی باید فکر کند که، من باید خودم را به باطن و تقدیر انسانی برسانم. اگر این‌طور نیست، حتماً بخش‌های نفسانی و پایینی‌اش بیش از حد غذا خورده‌اند، که زورشان به بخش‌های فوق عقلانی می‌رسد و می‌توانند آنها را خفه کند. شیطان هم در شب‌های احیا طوری با او معامله می‌کند، که او نتواند انتخاب کند و تصمیم درست بگیرد. شب تقدیر، شب منزلت است؛ تا انسان خودش نخواهد منزلت انسانی پیدا کند و تصمیم درست برای زندگی انسانی و عوض کردن تقدیرش



۱. سوره توبه/ آیه ۲۴.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، ادعیه ماه مبارک رمضان، دعای اللّٰهُمَّ اِنِّیْ بِکَ وَ مِنْکَ اَطْلُبُ حَاجَتِی.

۳. قمی، مفاتیح الجنان، دعای هر شب ماه رمضان، دعای اللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِکَ فِی الصَّالِحِیْنَ فَأَدْخِلْنَا.



نگیرد؛ گریه در این شبها کار زیادی نمی‌کند. (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)^۱ خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند). پس در شب قدر، مهمترین چیز این است که بخواهیم، سبک زندگی مان را عوض کنیم.

قیمت خودتان را بشناسید

تا انسان قیمت خودش را نداند، حاضر به تغییر در سبک زندگی‌اش نیست. اگر قیمت دست ما نباشد، حاضر نیستیم خود را ارتقاء دهیم. آدم تا این را قبول نداشته باشد که، حیف من است که زندگی حیوانی داشته باشم و فقط به عنوان یک زن یا مرد زنده باشم، حاضر به تغییر سبک زندگی‌اش نیست. زندگی مانند بزرگان و اشراف، روح بزرگ و اشرافی می‌خواهد. آدم‌های گدا و کسانی که خودشان را کم می‌بینند، آنهایی که اهل حقارت نفس‌اند و حاضر نیستند بزرگ زندگی کنند، روزبه‌روز از حقیقت انسانی خودشان فاصله می‌گیرند.

خودشناسی در کلام امیرمؤمنان 7

از امیرمؤمنان 7 روایت شده است: «نَالَ الْفَوْزَ الْأَكْبَرَ مَنْ ظَفَرَ بِمَعْرِفَةِ النَّفْسِ»^۲ کسی که موفق به خودشناسی شود، به بزرگترین

۱. سوره رعد/ آیه ۱۱.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۲۰.



پیروزی دست یافته است». بزرگ‌ترین خوشبختی، این است که فردی موفق شود، خودش را بشناسد و بفهمد قیمت وجودی‌اش چقدر است، خودش را در بلندای ابدیت نگاه کند، تا خدا را ببیند. عمر هر کدام از ما به اندازه عمر خداست. اگر کسی خودش را اینگونه دید و عاشق خودش شد، آن موقع می‌تواند خیلی راحت سبک زندگی‌اش را، اشرافی کند. دیگر حاضر نیست کوچک باشد و ضعیف زندگی کند.

حضرت فرمود: «لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِمَعْرِفَةِ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ»^۱ از خود بی‌خبر مباش که بی‌خبر از خود، از همه چیز بی‌خبر است». کسی که قدر خودش را نمی‌داند، قدر هیچ چیز دیگر را نمی‌داند. شما تا نفهمی، قیمتت چقدر است و چقدر عزیزی، کاری از پیش نمی‌بری. این قدر عزیزی که امیرمؤمنان ۷ به‌خاطر شما شمشیر خورد. این قدر عزیزی که مادرمان فاطمه زهرا ۳ به‌خاطر شما حاضر شد، جان خود و فرزندان‌ش را فدا کند. عزاداری فقط گریه کردن نیست، ائمه به گریه ما احتیاج ندارند، چیزی که برای ائمه مهم است و ما را به آن دعوت می‌کنند، این است که به ارزش‌هایی که به‌خاطرشان کشته شدند، احترام بگذاریم. حجابت، دیدنی‌هایت، شنیدنی‌هایت، خوردنی‌هایت، ازدواجت، مهمانی‌هایت را رعایت کن. اگر من نخواهم سبک زندگی‌ام را به سمت امیرمؤمنان ۷ هدایت کنم، پس گریه کردن‌هایم، مسخره کردن خودم است؛ یعنی آقا من فقط حاضرم برایت گریه کنم؛ اما از من نخواه



که سمت بیایم و به خونی که از تو ریخته احترام بگذارم.
مادر جان، فاطمه جان! ما فقط حاضریم برایت گریه کنیم و
سینه بزنی؛ اما حاضر نیستیم، سبک زندگی مان را، آن طوری
که تو دوست داری، تغییر بدهیم تا باعث خشنودی تو شویم.
چقدر بد است که، آدم با مادرش این گونه رفتار کند.



فصل پنجم

مروری بر بحث گذشته

چهل به آخرت و چهل به خود

چهل به خود، قدم در مسیر گمراهی و جهالت

خودشناسی در دعای امام سجاد 7

دعای سیدالسادین 7 در مناجات شاکین



خودشناسی لازمه بهرمندی از شب قدر



مروری بر بحث گذشته

بحث ما این بود که میزان بهره‌برداری هر کس از شب‌های پرفضیلت قدر، بستگی دارد به میزان درکی که از قدرِ خودش دارد. روایتی را از امیرمؤمنان 7 تقدیم کردیم: «إِنَّ الْجَاهِلَ بِمَعْرِفَةِ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ»^۱ هر کس نسبت به معرفت نفس خود نادان باشد، نسبت به تمامی اشیاء جاهل است». یعنی کسی که خودش را نشناسد، خودِ آسمانی و الهی را نشناسد، هیچ چیز را نشناخته است.

جهل به آخرت و جهل به خود

حضرت، در فرمایش دیگری می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۵۵.



يَجْهَلُ نَفْسَهُ^۱ انسان را همین نادانی بس که خودش را شناسد». برای جاهل بودن کسی، همین که خودش را شناسد بس است؛ یعنی اگر زمین و زمان را بشناسی، عالم‌ترین انسان‌ها، به موضوع‌های مختلف باشی؛ اما خود حقیقی و جاودانه‌ات را شناسی، جاهلی. چون هیچ فرق نمی‌کند، انسان جاهل باشد یا عالم جاهل به خود. در هر صورت هیچ اقدامی برای ساختن آخرت و ابدیتش نمی‌کند.

شبهه به این فرمایش در کلام رسول خدا ۹ است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ كُلَّ عَالِمٍ بِالْدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ^۲ خداوند تبارک و تعالی دشمن می‌دارد؛ هر عالم به دنیایی را که جاهل به آخرت است»؛ یعنی شما هر قدر از علوم دنیا را بلد باشید، وقتی نمی‌دانید آخرت چگونه جایی است، سؤال‌های آخرت را نمی‌دانید و براساس آن تنظیم و تقدیری ندارید؛ بنابراین، برنامه‌ریزی‌های زندگی‌تان براساس آن نیست، در نتیجه حیات و سعادت حقیقی دنیا و آخرت را از دست می‌دهید.

امکان ندارد، کسی که در مسیر آخرت زندگی نمی‌کند، بتواند به شادی و آرامش دنیایی برسد. ممکن است، به توفیق‌های دنیایی برسد، وضع مالی‌اش خوب شود و به مقام برسد؛ ولی این‌ها هم به فرموده قرآن، مایه عذاب او خواهند شد.

اسکندر می‌گوید: «وَقَتِي مِنْ مُرْدَمٍ، دَسْت‌های مرا از تابوت

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۵۵.
 ۲. علی متقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال، حدیث ۲۸۹۸۲.



بیرون بگذارید که همه بدانند؛ من که جهانگیر بودم، دست خالی از این دنیا می‌روم، هیچ چیز با خودم نمی‌برم». پس اساس زندگی انسانی، فقط و فقط در گروِ ایمان به خدا و روز قیامت است. اگر بخواهی آخرت، دین، نبوت و همه چیز را بشناسی، اول باید نفس خودت را بشناسی. بدون خودشناسی، نمی‌توانی هیچ چیز دیگری را دقیق بشناسی؛ چون انسان، کامل‌ترین مظهر خداست، وقتی خودش را نشناسد، نمی‌تواند مظاهر بعدی را بشناسد. زمانی که کامل‌ترین مظهر را شناخت، شناخت‌های بعدی فایده‌ای به حال او ندارد.

خدا، جلوه‌های کامل‌تر از انسان ندارد. از روی هر چیز که بخواهید خدا را بشناسید، در جلوه‌های ناقص شناخته‌اید. فقط انسان است که وقتی می‌شناسی‌اش، می‌توانی بگویی "الله" را شناختم. آخرت هم همین‌طور است؛ بدون شناختِ انسان، نمی‌توان آخرت را شناخت.

آخرت، یکی از شئون انسان است. آخرت، بزرگ‌تر از انسان نیست. بزرگان دین فرموده‌اند: بهشت و جهنم در نفس است، نه نفس در بهشت و جهنم. نفس انسان، آن‌قدر وسعت دارد که می‌تواند همه بهشت را در دلش جای دهد و می‌تواند بالاتر از بهشت هم برود. لذا خداوند فرمود: «لَا يَسْعَى اَرْضِي وَلَا سَمَائِي وَلَكِنْ يَسْعَى قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ^۱؛ من در زمین و آسمانم نمی‌گنجم؛ ولی قلب بنده مؤمنم، مرا در خود جای می‌دهد». هیچ آسمان و زمینی، گنجایش مرا ندارد؛ ولی دل بنده مؤمن،

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

گنجایش مرا دارد.

نفس، خیلی مسئله مهمی است. ما خیلی سطحی و بی خیال از کنار شناخت آن رد می‌شویم. محال است، کسی که نفس را نمی‌شناسد، بتواند شب قدر را درک کند: «مَنْ جَهِلَ قَدْرَهُ جَهِلَ كُلَّ قَدْرٍ»^۱ کسی که به قدر خودش جاهل است، به تمام قدرها و اندازه‌ها، جاهل است». چنین شخصی هر نقشه‌ای در زندگی‌اش بریزد؛ چون با قدرها آشنا نیست، غلط از کار در می‌آید، در ازدواج، تحصیل، انتخاب شغل، رفیق و در هر انتخاب و ارتباطی، اشتباه می‌کند.

باز در نقطه مقابل، ببینید؛ چقدر قشنگ می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ مَعْرِفَةً أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ»^۲ انسان را همین شناخت بس، که خود را بشناسد». برای معرفت شخصی، همین بس است که خودش را بشناسد. اگر هیچ چیزی را هم نشناخت، چیزی را از دست نداده است. اگر خودش را بشناسد، دقیقاً می‌فهمد که باید با خودش چه کار کند. فلسفه اینکه علم نمی‌تواند بشر را خوشبخت کند، همین است. هر قدر علم پیشرفت کرده، آسایش آورده؛ اما نتوانسته آرامش و خوشبختی بیاورد. ما الان بیش از هر زمان دیگری، در جهان معضل و مشکل داریم؛ جنگ، خودکشی، قتل، زندان و طلاق؛ چون علوم بدون اینکه صاحب اصلی، یعنی انسان را بشناسند، در حال پیشرفت است. اگر علم پیشرفت کند، اما موضوع اصلی را، که انسان است نشناخته باشد،

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۶۴۴.

۲. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۵۲۰.



تمام موفقیت‌هایش، در واقع شکست است. هرچه بیشتر موفق شود، بدبختی بشر بیشتر می‌شود، هر قدر پیشرفت می‌کند، گرفتاری بشر بیشتر می‌شود.

جهل به خود، قدم در مسیر گمراهی و جهالت

فرمایش دیگری از امیرمؤمنان 7 بیان می‌کند که اگر کسی خودش را شناسد، چه اتفاقی می‌افتد: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النَّجَاةِ وَخَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَالْجِهَالَاتِ؛^۱ هر که خود را نشناخت، از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی‌ها قدم نهاد». کسی که خودش را نمی‌شناسد، از راه نجات دور می‌شود و در گمراهی و جهالت‌ها قدم می‌گذارد. با تجربه‌ترین، عالم‌ترین، عاقل‌ترین، باهوش‌ترین و زیرک‌ترین آدم‌ها، اشتباهات و شکست‌هایشان بیشتر است؛ چون برای خودی تلاش می‌کنند، که آن را نمی‌شناسند.

در کشور خودمان دقت کنید؛ از هر پنج ازدواج، چهار مورد به نتیجه مطلوب نمی‌رسد یا طلاق است یا دعوا و درگیری یا طلاق عاطفی و فقط بیست درصد، خوشبخت هستند. چرا؟ برای اینکه ما در اصل با خودی معامله، زندگی و ازدواج می‌کنیم که، خود اصلی و جاودانه ما نیست. این‌ها به نفع خود اصلی صورت نمی‌گیرد. قرآن می‌فرماید؛ اگر روی خود اصلی‌تان کار کنید، حتماً هر قدر تلاش‌تان در دنیا بیشتر می‌شود، حجم

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۶۵۶.





شادی و آرامش تان بیشتر خواهد شد. تولید شادی و آرامش، بسته به میزان توجهی است که به خود اصلی می‌کنید؛ شما هر اندازه به خود اصلی‌ات غذا می‌دهی، آن کودکِ عزیزِ روانت را غذا و رشد می‌دهی، بنابراین احساس انبساط، بزرگی، قدرت، آرامش و شادی بیشتری می‌کنی و هر اندازه از این خود غفلت کنی، اضطراب‌ها، عصبانیت‌ها، حسادت‌ها و سوءظن‌ها زیادتر می‌شوند.

ترسم که این تن که حائل است به جانم سقط کند کودکِ عزیزِ روانم^۱

یعنی توجه به این خودِ طبیعی، به این خودِ مردانه و زنانه، باعث می‌شود، انسان کودکِ عزیزِ روانش را که خداوند در وجودش به امانت قرار داده، سقط کند؛ لذا سالم وارد برزخ نمی‌شود. وقتی هم وارد برزخ می‌شود، هیچ چیزی ندارد. (إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ^۲؛ ما امانت را عرضه کردیم). این امانتی که خدا به شما داده، اصلاً به آن نرسیده، رهايش کردیم، عاشقش نشدیم، دوستش نداشتیم، با بی‌رحمی و قساوت با آن رفتار کردیم؛ بخش‌های حیوانی ما، در اولویت قرار گرفت و بعد، بخش‌های علمی، عقلی و مطالعاتی و در آخر، بخش فوق عقل. بنابراین بخش فوق عقل را رها می‌کند و توجهی به آن نمی‌کند و وقتی به آن اختصاص نمی‌دهد. اگر کسی خودش را نشناسد، قطعاً هر قدر می‌خواهد دانشمند باشد، باز کلاهش پس معرکه



۱. الهی قمشه ای، مهدی، دیوان اشعار، ص ۳۱۷.

۲. سوره احزاب/ آیه ۷۲.



است و امکان ندارد در جهالت و ضلالت نیفتد.

ان شاء الله وجود مقدس آقا امام زمان علیه السلام می آید و خود اصلی ما را شکوفا می کند؛ چرا که امام باقر 7 فرمود: «فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ»^۱ خداوند به وسیله [دست نهادن] حضرت، عقل مردم را جمع می کند».

در آن زمان که عقل‌ها توسط حضرت جمع می شود، ساده‌ترین آدم روی زمین، از اولیاء خدا می شود و ضعیف‌ترین آدم‌ها می توانند به آسمان، برزخ و به بالاتر راه پیدا کنند. شب قدر، شب اندازه است. توصیه شده، جوشن کبیر بخوانید! چون خداوند نمایشگاه مفصلی با بیش از هزار تابلو در این دعا برپا کرده است، که هرکسی باید این نمایشگاه هزار تابلویی را نگاه کند و به اندازه ظرفیت و تواناییش، دو، سه، ... مورد را انتخاب کند و بگوید: آقا! من می خواهم، چند مورد از این اسم‌ها را داشته و با آن‌ها ارتباط برقرار کنم، می خواهم روز قیامت که بر پا شد، با یکی از این اسماء صدایم کنند؛ چون این اسماء ذکر شده در دعای جوشن کبیر، اسم‌ها و دارایی‌های ماست. (فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ^۲؛ اما هر که میزان‌هایش سنگین باشد)؛ میزان‌ها چیست؟ این اسماء، میزان و ملاک سنجش هستند. کسی که میزانش سنگین باشد؛

۱. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن به کمال می رساند و بلوغ فکری آنان رشد یافته و تکمیل می شود» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵).

۲. سوره قارعه / آیه ۶.



(فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ^۱؛ پس وی در زندگی خوشی خواهد بود)؛ در زندگی راضی است؛ اما اگر کسی وزنه‌ی اعمالش سبک باشد: (وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ^۲؛ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ^۳؛ و اما آنکه اعمالش وزن و ارزشی نداشته باشد؛ او در آغوش و دامن هاویه خواهد بود.)، در اصل با میزان کار نکرده باشد، وای به حالش که گرفتار آتش می‌شود. چرا ما در زیارت آل یاسین می‌گوییم: «وَالْمِيزَانُ حَقٌّ؛ و میزان، حق است»؟ چون همه ریاضی است؛ ولی اگر صد شب قدر هم بگذرد، ما هیچ وقت به فکر اندازه‌گیری خودمان نمی‌افتیم تا بدانیم بالأخره تکلیف "من" با خودم چیست؟ خدا لعنت کند پادشاهان و حکومت‌های دست نشانده گذشته را که، در راستای اهداف استعماری خود چنان فرهنگ ما را مورد تاخت و تاز آشکار و پنهان قرار دادند، که وقتی از کودکی سوال می‌شود هدف‌ت در زندگی چیست؟ در جواب می‌گوید: دکتر! مهندس شوم [البته اگر نخواهد بازیگر یا فوتبالیست شود] و اگر کسی به اینجا برسد، می‌گوییم: خیلی آدم موفق‌تری است. اما انسان برای این اهداف به دنیا نیامده بود. مؤمن و شهید را موفق می‌گویند؛ مؤمنی که توانسته، عشق خدا را همیشه، در رأس همه عشق‌هایش نگه دارد، موفق است. چقدر امام زمان عجل الله تعالی فرجه عاشق این خانواده آسمانی است که می‌فرماید: «لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ^۳؛ هیچ محبوبی مثل پیغمبر 9 و اهل او نیست». آدم موفق آدمی است که، توانسته بعد از خدا، چهارده معصوم : را در

۱. سوره قارعه / آیه ۷.

۲. سوره قارعه / آیه ۸.

۳. قمی، مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.



رأس معشوق‌هایش نگه دارد. آدم موفق کسی است که، می‌تواند شب قدر، اندازه و تقدیری برابر ده‌ها، صدها بلکه هزاران آدم را برای خودش رقم بزند.

خودشناسی در دعای امام سجاد 7

وجود نازنین و مقدس امام سجاد علیه السلام به درگاه الهی چنین عرض می‌کند: «وَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ عَرَفُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَيْقَنُوا بِمُسْتَقَرِّهِمْ فَكَانَتْ أَعْمَارُهُمْ فِي طَاعَتِكَ تَفْنَى»^۱ خدایا! ما را از کسانی قرار ده که خود را شناختند و به قرارگاه خویش، یقین یافتند و از این رو عمر خویش را صرف در عبادت تو کردند». یکی از خواسته‌ها و تمرین‌های بزرگ انسان موفق و آگاه همین است که؛ خدایا! من همه خیرات را در این می‌بینم که خودم را بشناسم. لذا فرمود: «لَا مَعْرِفَةَ كَمَعْرِفَتِكَ بِنَفْسِكَ»^۲ هیچ معرفتی ارزشمند تر از معرفت تو نسبت به خودت نیست». در واقع، هیچ معرفتی مثل شناخت نفس، مفید نیست. اگر معرفت نفس و یقین، به محل استقرار آمد؛ در نتیجه در طاعت تو، فانی می‌شود. مثل جنینی که همه عمرش را برای به دنیا آمدن صرف می‌کند، همه این نه ماه تلاش می‌کند که توانائی‌های مورد نیاز در دنیا را تأمین کند. این اهمیت معرفت نفس است. اگر کسی خودش را شناخت، می‌داند قبر، آخرت و جاودانگی یعنی چه. بنابراین زندگی و تقدیرات شب قدرش را، بر اساس پنجاه سؤالی که در

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۲۱.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۲.



قیامت از انسان پرسیده می‌شود، تنظیم می‌کند. شناخت نفس، نوعی از شناخت است که با وجود این شناخت، جهل به چیزهای دیگر به تو صدمه نمی‌زند و جهل به نفس، جهلی است که با آن، هیچ شناختی به دادت نمی‌رسد. صد زبان بلد باشی، به دادت نمی‌رسد، نمی‌توانی بخش انسانی را فعال و کودک عزیز روانت را تغذیه کنی. وقتی که در اصل عاشق خود جاودانه و حقیقی‌ات نیستی، چطور می‌توانی رشد کنی؟! لذا حضرت این را جزء دعاهايش آورده: «وَجَعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ عَرَفُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَيْقَنُوا بِمُسْتَقَرِّهِمْ». در جمله بعد می‌گوید: ما را جزء کسانی قرار بده که، یقین کرده‌اند؛ قرار است به آخرت و ابدیت بروند؛ محل استقرار خودشان، آخر خودشان را باور کردند. مرد آخرین، مبارک بنده‌ای است.



علت این که، این همه روایت و آیات متعدد درباره آخرت، شب اول قبر، جهنم و بهشت را می‌خوانیم یا می‌شنویم و هیچ شوق و ترسی، در دلمان ایجاد نمی‌شود، این است که، آن خودی، که قرار است از این‌ها شوق پیدا کند یا از این جهنم بترسد، در ما فعال نشده؛ مثل بچه کوچکی است که، به او بگویی ازدواج کن و او هیچ حسی ندارد، این بچه قوه‌ای که به بلوغ برسد، جنس مخالف را بخواهد و ازدواج کند، دارد ولی هنوز فعال نشده است.

قرآن، طوری ما را خجالت می‌دهد که آدم می‌خواهد، هزار بار بمیرد؛ می‌گوید: سنگ‌ها، وقتی اسم خدا را می‌شنوند، از شدت معرفتشان به خشیت می‌افتند و از شدت خشیت، ریزش

می‌کنند. متأسفانه! دل‌های ما خیلی سخت شده است.

دعای سیدالساجدین 7 ، در مناجات شاکین

یکی از مناجات‌های روز شنبه، مناجات الشاکین است. حضرت سجاد علیه السلام در مناجات خمس عشر، شنبه را برای مناجات شاکین گذاشت: «إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُوا نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً^۱؛ خدایا! از نفسی که فراوان به بدی فرمان می‌دهد، به تو شکایت می‌کنم؛ خدایا! من از دست خودم، خیلی شاکی هستم که دائم مرا به کارهای بد وامی‌دارد. «مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ؛ به بازی و هوسرانی میل بسیار دارد»؛ بسیار به بازی و وقت تلف کردن میل دارد، لهو و لعب را خیلی دوست دارد. «مَمْلُوءَةً بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ؛ از غفلت و اشتباه آکنده است»؛ پر از غفلت و بازیگوشی است. از دست خودم خیلی شاکی هستم، خودم هم حریف خودم نمی‌شوم، آمدم از دست خودم به تو شکایت کنم. آمدم بگویم: خدایا! به دادم برس، کاری کن، کمکی کن. «أَعْنِي عَلَى نَفْسِي؛ مرا ابرای غلبه بر نفسم یاری کن»؛ خدایا! طوری به من کمک کن که بتوانم، این نفس بازیگوش را به زمین بزنم.

«كَثِيرَةَ الْعَلَلِ؛ بهانه‌هایش بسیار است»؛ خیلی بهانه‌گیر است؛ سر هر چیزی بهانه می‌گیرد، تا مسیر تو را نیاید. «إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ تَجَنَّعَ؛ اگر گزندی به او در رسد بی‌تابی می‌کند»؛ تا سختی و مصیبتی به او می‌رسد، جیغش در می‌آید، بی‌طاقتی و آه و ناله

۱. این مطلب مفصل در خانواده آسمانی توضیح داده شده است.

می‌کند، زمین و زمان را روی سرش می‌گذارد.

«وَإِنْ مَسَّهُ الْخَيْرُ تَمْنَعُ؛ اگر خیری به او رسد، از انفاقش دریغ می‌ورزد»؛ هر وقت هم می‌خواهد خیری انجام دهد و یا انفاق کند، نفسش می‌ترسد و می‌گوید: نه این کار را نکن، خودت فقیر می‌شوی. چراغی که به خانه رواست، به مسجد حرام است. اجازه نمی‌دهد، کار خیر کند. دستش می‌لرزد. می‌خواهد خمس و زکات دهد، می‌ترسد. وقتی نوبت همسر، فرزند و خوشی‌های دنیوی‌مان می‌شود، میلیونی و میلیاردی خرج می‌کنیم. وقتی نوبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌رسد و می‌خواهیم برای اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه هزینه کنیم، پول‌های خرد، مبالغ اندک و بی‌ارزش را تقدیم می‌کنیم. صدقاتمان را نگاه کنید، صندوق صدقاتمان همه پول خرد است. ما در اصل با خودِ اصلی‌مان کنار نیامدیم.



فصل ششم

مروری بر بحث گذشته

بالاترین تقدیرها در شب قدر

دعای شب قدر، خواندنی نیست، خواستنی است

لیک گفتن به ندای هل من ناصر ینصرنی

رغبت به دولت کریمه امام زمان علیه السلام

دعای فرج مخصوص ماه رمضان



شب قدر، وقت رسیدن به خیمه امام زمان



مروری بر بحث گذشته

بحث ما، دربارهٔ تقدیرها بود. گفتیم، انسان به میزانی که به قیمت خود پی ببرد، به همان میزان، به بالاترین تقدیرها دست پیدا می‌کند. هر قدر خود را قیمتی‌تر بداند، طمعش بیشتر و انتخابش بالاتر خواهد بود.

بعضی خودشان را به قیمت یک سنگ یا کمتر از سنگ می‌دانند، بعضی دیگر، حیوان یا پست‌تر از حیوان قیمت گذاری می‌کنند، گروهی از انسانها که در حد شیاطین انسی ارزش‌گذاری می‌شوند و گروه کمی هم، انسان هستند. کسانی هم هستند که، از این مقام بالاتر رفته و بعد از اینکه به تقدیرهای انسانی دست می‌یابند، تقدیرهای صدها، هزاران و میلیون‌ها انسان را از خداوند تبارک و تعالی دریافت می‌کنند و در اصل در زمان حیاتشان به جای میلیون‌ها انسان زندگی می‌کنند و

بهره بی‌نهایتی از تقدیرها دارند.



بالاترین تقدیرها در شب قدر

می‌خواهیم راجع به بالاترین تقدیرها که مربوط به، شب بیست‌وسوم ماه رمضان است، صحبت کنیم. چه کسی می‌تواند بالاترین تقدیرها را دریافت کند؟ بهتر است، به جای بحث‌های نظری، بحث‌های کاربردی و عملی را تقدیم کنیم. کسی بالاترین تقدیرها را دارد که، نقشه‌هایش با نقشه‌های امام زمان علیه السلام هماهنگی داشته باشد. پس ابتدا باید، خودت را با نقشه حضرت هماهنگ کنی. بگو: آقا! شما پدر ما هستید بنابراین، ما دوست داریم هر کاری می‌خواهیم بکنیم، در مسیر طریق شما باشد. من تقدیرهایم را باید بر اساس خانواده آسمانی‌ام تنظیم کنم. وای به حال کسی که با خانواده زمینی‌اش هماهنگ باشد ولی با خانواده آسمانی‌اش هماهنگ نشده باشد؛ با مادرش فاطمه زهرا 3 و با پدرش امیرمؤمنان علیه السلام هماهنگ نباشد و همچنین طراحی‌ها و تدبیرهایی که برای خودش کرده، ربطی به حضرت نداشته باشد.



امام خمینی علیه السلام چقدر زیبا می‌فرماید: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت



نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسایل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، منصرف کند.^۱ یعنی صرف خدمت، به درد نمی‌خورد؛ وقتی تو در چادر حضرت و هماهنگ نیستی، رئیس‌جمهوری‌ات، نمایندگی مجلس و عضویت شورای شهرت، همه برای ارضاء خودت است. هیچ ربطی به آقا ندارد، پس هیچ فایده حقیقی هم برای تو نخواهد داشت. تو باید اول، خودت را با امام زمان علیه السلام هماهنگ کنی. بعضی‌ها هنرمندند؛ از هنرشان برای برداشتن موانع ظهور حضرت علیه السلام استفاده می‌کنند و با استفاده از این هنر به الله تبارک و تعالی نزدیک می‌شوند.

بسیاری از ما، خواننده‌هایی از آمریکا و اروپا می‌شناسیم، که وقتی شعر و موسیقی‌شان را می‌شنوی، دلت برای امام زمان علیه السلام و پیغمبر 9 ضعف می‌رود. چون موسیقی‌شان، متعالی است، بنابراین به تو انرژی می‌دهد. اما موسیقی‌هایی هم هست که انسان را به طبیعت، بدبختی، نکبت‌ها، روابط زمینی و پست، عشق‌های زمینی، قال گذاشتن‌ها، بی‌وفایی‌ها و... می‌برد.

وقتی طلبگی، تدریس، تحقیق، سخنرانی، کار فرهنگی و کار خیریه در چادر حضرت علیه السلام نباشد، شهوت شخصی و خودارضایی

است. شهوتی است که رنگ تقدس دارد، فقط برای گول زدن مردم و آرام کردن خودت است. وقتی تو نمی‌توانی و عرضه نداری به امام زمان علیه السلام کمکی بکنی، غمی از چهره حضرت بگشایی و خنده‌ای به لب ایشان بیاوری، هر کاری بکنی، شهوت شخصی است.

دعای شب قدر، خواندنی نیست، خواستنی است

شب قدر، شب تصمیم و دعاست. دعا خواندنی نیست، دعا خواستنی است؛ یعنی اگر تو بخواهی، حضرت هم امضا می‌کند. حضرت کاری ندارد که امشب شما چه خواستید، چه مقدار و چه دعایی کردید. حضرت، تقدیری را که شما در شب قدر به ایشان تقدیم می‌کنید امضا می‌کند، بنابراین اگر عزم و اراده انجام کاری را نداری، در این شب‌ها از حضرت درخواست نکن، خودت را مسخره نکن و به زحمت نینداز. به‌طور مثال اگر می‌خواهی ورزشکار شوی، باید به باشگاه بروی، روزی هشت، نه ساعت کار کنی. ورزشکاری می‌گفت: من ده ماه است، همسر و فرزندم را ندیده‌ام، برای این که مدال طلا به‌دست بیاورم؛ یعنی با هدفش و رسیدن به مدال طلا، هماهنگ است.

یکی از مهم‌ترین اعمال شب بیست و سوم، زیارت سیدالشهدا علیه السلام است. رفتن به هیئت و عزاداری و گریه برای امام حسین علیه السلام چون انتساب به حضرت دارد، خوب است. به این





شخص حتی اگر کافر هم باشد و برای امام حسین علیه السلام عزاداری کند، ثواب می‌دهند؛ اما این به‌جا آوردن حقِ فرزندیِ امام حسین علیه السلام نیست. تا زمانی که عزادار، مشکی‌پوش، پرچم‌زن و هیئتی، به مقام انتقام نرسیده باشد، نمی‌تواند خطاب به امام حسین علیه السلام بگوید: «**أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ**؛ از خداوند می‌خواهم که خونخواهی شما را، روزی‌ام کند». زمانی شما در چادر حضرت منتقم محسوب می‌شوی که؛ می‌گوید: تو فرزند امام حسین علیه السلام هستی، امام حسین زمان تو کیست؟ امام زمان علیه السلام است. پس تو تا وقتی منتقم نیستی، به دنبال اهداف امام زمان علیه السلام نیستی و عزادار حقیقی هم به حساب نمی‌آیی. در زیارت عاشورا می‌خوانیم: خدایا! من می‌خواهم، روزی‌ام شود که انتقام خودم را هم بگیرم: «**أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ**؛ از خداوند می‌خواهم که خونخواهی شما را، روزی‌ام کند». انتقام خودم چیست؟ این که من بی‌پدر هستم، با نبودن امام زمان علیه السلام یتیم شده‌ام، پدر بالای سرم نیست، استعدادهای بی‌نهایت خدادادی‌ام، هدر می‌رود، من در بدبختی بی‌امامی، عمرم رو به اتمام است و به برزخ نزدیک می‌شوم، ولی هنوز نتوانستم هیچ یک از این هزار اسمی را که سال‌ها خواندم، در خود فعال کنم؛ پس من باید زودتر انتقام خودم را بگیرم. تا این را می‌گویی، امام حسین علیه السلام، اولین سؤال را که از تو می‌پرسد، این است: پسر، دخترم، راست می‌گویی؟ می‌خواهی انتقام بگیری؟ پس باید زندگی‌ات را بر اساس این هدف برنامه‌ریزی کنی، مانند کسی که، پدر و یا عزیزش را



کشته باشند، می‌گویند: من می‌خواهم انتقام بگیرم! از صبح بلند می‌شود، به دادگاه می‌رود، کارهایش را تعطیل می‌کند و تا قاتل را به چوبه دار ندهد، آرام نمی‌نشیند، این یعنی انتقام.

«أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ» از خداوند

می‌خواهم که مرا به مقام ستوده‌ای که برای شما نزد خداست، برساند؛ من می‌خواهم در مقام شما باشم، نه پایین‌تر از آن. نه این‌که سگ اهل بیت علیهم‌السلام باشم، ما اصلاً سگ نیستیم؛ ما بچه‌های اهل بیتیم. اهل بیت علیهم‌السلام هم برای ما، به کمتر و پایین‌تر از مقام خودشان راضی نیستند. هیچ پدر و مادری دوست ندارد، فرزندان‌شان پایین‌تر از خودشان قرار بگیرند، امام حسین علیه‌السلام می‌گوید: مقام خودم را بخواه: «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»؛ ولی تا این را می‌گویی، حضرت می‌گوید: راست می‌گویی عزیزم؟ من خوشحالم که تو این را می‌خواهی؛ ولی واقعاً می‌خواهی بررسی؟ باید تصمیمت را بگیری، وقت زیادی نداری، چون سحر و مطلع‌الفجر شب قدر نزدیک است، باید از فردا، کارها شروع شود، نقشه‌ها شب کشیده و روز اجرا شود. حضرت از تو سؤال می‌کند: واقعاً می‌خواهی با من و در درجه و مقام من باشی؟ اگر می‌خواهی، سبک زندگی‌ات را طراحی کن و پیش من بیا. نمی‌توانی بگویی، نه آقا! ما با شما کاری نداریم، من برای خودم هزار نقشه و برنامه دارم؛ البته گه‌گاهی اگر جایی برای اهل بیت علیهم‌السلام و دین کمک خواستند، دستی در جیب‌مان می‌کنیم، صدقه‌ای به دین می‌پردازیم؛ اما من می‌خواهم، برای خودم دکتر و



مهندس شوم، می‌خواهم طلبه و مداح شوم، وقت ندارم به چادر شما سر بزنم. اگر زمانی، کاری داشتید، بفرمایید، من برای شما مبلغی می‌پردازم. مگر جعفر نبود، به امام حسین (علیه السلام) عرض کرد: آقا! من اسبی دارم که با آن کسی را تعقیب نکرده‌ام؛ مگر آن که به او رسیده‌ام، فرار نکرده‌ام؛ مگر این که کسی به من نرسیده. شمشیری دارم چین و چنان، اینها را به شما می‌دهم. حضرت (علیه السلام) فرمود: من شمشیر و اسب را نمی‌خواهم، خودت می‌آیی یا نه؟ ما داریم به امام زمان (علیه السلام) صدقه می‌دهیم. اصلاً برنامه‌ریزی‌های ما، هیچ تطبیقی با حضرت ندارد؛ هر شغلی که دوست داریم انتخاب کرده و با هر کسی می‌خواهیم ازدواج می‌کنیم، اینجاست که تو از طرح و نقشه و چادر حضرت خارج می‌شوی. حالا هر چقدر دلت می‌خواهد، توفیق به‌دست بیاور، دیگر به‌درد نمی‌خورد.

ولی اگر بگویی: آقا! من چه کار کنم که در چادر شما باشم؟ حضرت (علیه السلام) می‌گوید: اول خودسازی کن، بعد به سراغ جامعه برو؛ بقیه را هم به چادر ما بیاور. وقتی تو خودت در چادر حضرت نیستی و خودسازی هم نکردی، هر قدر برای کار فرهنگی فعالیت کنی، مسخره‌کردن خودت است، بی‌فایده است.





لیک گفتن به ندای، هل من ناصر ینصرنی

لیک گفتن یعنی چه؟ امام زمان علیه السلام فرمود: من هر بیست و چهار ساعت یک بار می‌گویم: «**هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي**؛ آیا یاری کننده‌ای هست، که مرا یاری کند؟». امام حسین علیه السلام یک بار گفت! و آن دو برادر که در لشکر ابن سعد بودند واقعاً دلشان برای حضرت سوخت تا آخر، با امام حسین علیه السلام جنگیده بودند، چه جگرهایی داشتند. عجب برادران مبارکی بودند! روی گذشته‌شان پا گذاشتند و گفتند: آقا امام حسین علیه السلام است، فرزند فاطمه زهرا 3 است، صدا کرده که به کمکش برویم. ما، برای قهرمان‌های افسانه‌ای که معلوم نیست، واقعیت داشته‌اند یا نه، می‌گرییم و اشک می‌ریزیم؛ ولی آیا تا به حال برای غربت، آوارگی و طردشدگی حضرت گریه کرده‌ایم؟ تا به حال چقدر دلتنگ شده‌ایم؟

اگر امام زمان علیه السلام هر روز می‌گوید: «**هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي**»، هیچ احتیاجی به من و شما ندارد. الان که حضرت حدود ۱۱۸۰ سال است که غایبند، ما به بدبختی افتاده‌ایم و کمک نیاز داریم یا حضرت؟ بین چقدر با عزت در نامه‌اش سخن می‌گوید: «**أَحْسَنُ صَنَائِعِ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعِنَا**؛ ما دست پرورده‌های پروردگاریم و سایر مخلوقات، دست پرورده‌های ما هستند». ما به شما هیچ احتیاجی نداریم، ما همان نوری هستیم، که خدا همهٔ مخلوقات را از نور ما خلق کرده، من چه احتیاجی به شما دارم؟ اگر می‌گویم که کمک کنید، از جنس



کمک کردن به خداست.

خداوند اگر می‌فرماید: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؟^۱)

آن کس که به خدا وامی نیکو دهد، کیست؟؛ چه کسی به من قرض می‌دهد؟ من خدا از شما قرض می‌خواهم. آیا خدا، نیاز دارد که به ما می‌گوید قرض بدهید یا می‌خواهد من به مقامی برسم؟ (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ)^۲ اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند؛ اگر من خدا را کمک کنید! به فدای ذات اقدس خداوند که چقدر نیازمندانه طلب کمک و وام می‌کند، ما به اوج برسیم، چقدر نیازمندانه طلب کمک و وام می‌کند، بدون هیچ تکبری. وقتی می‌خواهد ما را هدایت کند، دستش را دراز می‌کند؛ اگر کمک کنی، من هم کمکت می‌کنم. اگر به من قرض بدهی، من چند برابر به تو برمی‌گردانم. حالا آیا حاضری، جوانی، عمر و استعداد را وسط بگذاری و از شهوت‌های عقلی، زندگی دنیایی، سیاسی و اجتماعیات بگذری و به چادر امام زمان علیه السلام بیایی یا نه؟

حضرت علیه السلام می‌فرماید: تصمیمت را بگیر. واقعاً از فردا می‌خواهی سبک زندگیات را عوض کنی؟ یعنی از فردا صبح که از خواب بلند شدی، تمام کارهایت را با حضرت تنظیم می‌کنی؟ یا نه، می‌خواهی فقط خرج خودت شوی؟ می‌خواهی به حضرت صدقه بدهی؟ می‌خواهی هرچه در توانت هست، پای حضرت بریزی؟ هر جا دیدی، جبهه حضرت چیزی کم

۱. سوره حدید/ آیه ۱۱.

۲. سوره محمد/ آیه ۷.



دارد، اگر داشته باشی، می‌توانی کمک کنی؟

رغبت به دولت کریمه امام زمان علیه السلام

در هر شب ماه مبارک رمضان، دعای افتتاح، وارد شده است. با این که دعایی، کوتاه است؛ اما قدرتش از دعای سحر و دعای روز بالاتر است و می‌تواند ما را به بالاترین تقدیرها برساند. اگر کسی این دعا را هر شب، با صداقت بخواند، برده است. این دعا فرازهای زیبایی دارد، تا می‌رسد به اینجا که می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ؛ خدایا! به‌سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه [امام زمان علیه السلام]». خدایا! تمام رغبت و عشقم، دولت کریمه امام زمان علیه السلام است. تا گفתי «نَرْغِبُ»، فرشته می‌گوید: راست می‌گویی؟ علاقه داری؟ تو باید یک جواب بدهی: بله یا خیر. اگر گفתי بله، از فردا صبح داستان شروع می‌شود. کسی که به چادر حضرت می‌رود، هیچ غصه‌ای از غصه‌های دنیا، نمی‌تواند او را اذیت کند.

اگر شما درگیر غصه‌های دنیا هستید، اگر حسادت، بدبینی، خودخواهی، نخوت، حساسیت و زودرنجی دارید، برای این است که در چادر حضرت نیستی. دستورالعملش چیست؟ این دعای فرج را بخوان و با آن از نظر عملی هماهنگ شو. «اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ الشُّرُورِ^۱؛ خدایا، دل اهل قبور را شاد کن». «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ * اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ * اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غُرِيَانٍ؛ خدایا!

۱. قمی، مفاتیح الجنان، دعای مخصوص ماه رمضان بعد از هر نماز واجب.





هر تهیدستی را بی‌نیاز کن، خدایا، هر گرسنه‌ای را سیر کن، خدایا، هر برهنه‌ای را بپوشان» بخوان تا آنجا که بگویی: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ؛ خدایا، هر فسادِ را در کار مسلمانان اصلاح گردان». اگر این را گفتی؛ یعنی من از فردا صبح به فکر اموات، ایتام و فقرا هستم و برای همه گرفتارهای عالم دل می‌سوزانم. به اندازه قدرتم، از خانه خودم شروع کرده و سبک زندگی‌ام را از گناه و فساد پاک می‌کنم؛ سپس، برای دفع فساد از کل عالم تلاش می‌کنم.

دعای فرج مخصوص ماه رمضان

این دعا، شب بیست و سوم و فقط شب بیست و سوم وارد شده است که: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ». اوج این دعا کجاست؟ آنجا که می‌گویی: «حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا؛ تا او را با اطاعت و کرنش زمینی، ساکن زمین خود بگردانی». خدایا! برسد آن زمانی که زمین، خودش را در اختیار حضرت قرار دهد؛ زوری نمی‌شود امام زمان علیه السلام بیاید، باید مردم امام زمان علیه السلام را بخواهند. دنیا، باید ایشان را بشناسد و بخواهد. ای خدا کاری کن که این زمین خودش را در اختیار امام زمان علیه السلام قرار دهد. کاری کن همه چینی‌ها، ژاپنی‌ها، هندی‌ها، اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها، آفریقایی‌ها، آسیایی‌ها و همه مردم جهان عاشق امام زمان علیه السلام شوند، برای هیچ شیعه‌ای آرمانی بالاتر از این نیست که بتواند، اهل بیت : را به دنیا معرفی کند.



فصل هفتم

مروری بر بحث گذشته

اهمیت شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان

تقدیرها و تدبیرهای مزاحم

انتظار فرج، بهترین تقدیر شب قدر

شب های قدر، رحم قدرتمند تقدیر

شب عید فطر، شب قدر

دعای امام سجاد 7 در شب بیست و نهم



شب قدر، شب پیوند با امامت

مروری بر بحث گذشته

در فصل گذشته، بحث ما این بود که تقدیرهای هر شخص باید توسط خودش نوشته شود؛ یعنی محتوای نزول قرآن، صاحب امر که کل امر به دست اوست، یعنی اولوالأمر، وجود مقدس آقا امام زمان علیه السلام و وجود فرشتگان، که قوای عام هستند و توسط آنها خیرات و برکات می‌رسد، همه این‌ها منتظر انتخاب تقدیر ما هستند که ما چه تقدیری را به امضای وجود مقدس امام زمان علیه السلام می‌رسانیم. در بحث گذشته توضیح دادیم که، بهترین تقدیر این است که خود شما در چادر حضرت قرار بگیرید و تقدیرهایتان را با تقدیرهای حضرت گره بزنید. وقتی شما خودتان را با خانواده آسمانی همراه می‌کنید، این همراهی در دنیا، معیت در آخرت را به دنبال دارد: «أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». امکان ندارد، انسان معیت با پادشاهان



جاودانگی و آخرت پیدا کند، اما در دنیا با آنها همراه نباشد؛ چون آن‌ها ملاک سعادت، بهشت و بالاتر از بهشت هستند، آن‌ها میزان اعمال هستند؛ بنابراین، بهترین تقدیر این است که شما زندگی‌تان را با زندگی امام زمان علیه السلام پیوند بزنید؛ و به چادر حضرت نقل مکان کنید.

قطع رحم پیش آمده، باعث شده حدود ۱۱۸۰ سال فاجعه، غربت، آوارگی، طردشدگی امام زمان علیه السلام رقم بخورد. چرا؟ چون شیعیان، حضرت را وسیله‌ای برای رسیدن به مطامع و خواسته‌های دنیایی خودشان در نظر گرفته‌اند؛ همیشه از ایشان پول، مقام، شفا و سلامتی خواستند، ولی با ایشان زندگی نکرده‌اند، نوع برنامه‌ریزی‌هایشان با تقدیرهای حضرت یکی نبوده است.



اهمیت شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان

شب بیست و هفتم، شب فوق‌العاده مهمی است. این شب بار معنوی خیلی بزرگ و رحم زمانی فوق‌العاده قدرتمندی دارد. درست است، از نظر مدت ساعت با شب‌های دیگر فرقی ندارد؛ اما از نظر تأثیری که در روح و روان ما در دنیا و آخرت می‌گذارد، در اصل قابل مقایسه با زمان‌های دیگر نیست. شبی است که شما فردای آن می‌خوانید: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فَضْلَ لَيْلَةِ الْقَدَرِ؛ خدایا فضیلت شب قدر را روزی‌ام فرما».

تقدیرها و تدبیرهای مزاحم

امام صادق علیه السلام در حدیث عنوان بصری،^۱ یکی از اولین قدم‌های سلوک را این می‌شمرد که، مؤمن برای خود تدبیری نکند و برنامه‌ای نریزد که او را از عبودیت خداوند باز دارد. در زندگی‌ات طوری برنامه‌ریزی نکن که نقشه‌هایت مانع پیوند تو با خانواده اصلی‌ات شود. بزرگان را ببینید اگر خدمه در خانه داشته باشند؛ هر چه خودشان می‌خورند به آن‌ها هم میدهند، مسافرت می‌روند آن‌ها را هم می‌برند. آن‌ها به برکت صاحب‌خانه خیلی چیزها نصیب‌شان می‌شود.

پادشاهان و ثروتمندان بهترین‌ها را به فرزندان‌شان می‌دهند. ما خدمتکار نیستیم، ما فرزندان اهل بیت علیهم السلام هستیم و آن‌ها سلاطین دنیا و آخرت هستند؛ وقتی شما به عنوان فرزند، صله رحم می‌کنید، پیوند برقرار می‌کنید و همه جا با آن‌ها همراه و همنشین هستید، اهل بیت علیهم السلام هم بهترین‌ها را برای شما در دنیا و آخرت می‌خواهند. بنابراین اگر ما تدبیرات و تقدیرات درستی انتخاب کنیم و خود را همراه معصومین علیهم السلام قرار دهیم، ارتقاء پیدا می‌کنیم و از تقدیرات والای آن‌ها برخوردار می‌شویم.

انتظار فرج، بهترین تقدیر شب قدر

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا فَمَنْ تَبَتَّ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَ لَمْ

۱. جلسات شرح حدیث عنوان بصری توسط استاد توضیح داده شده است.





يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولَ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعَى فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۱

بدانید آنان که در زمان غیبت حجت خدا در دین خود ثابت مانده و به خاطر طول مدت غیبت منکرش نشوند، روز قیامت با من [۹] هم درجه من خواهند بود». اگر کسی منتظر واقعی شد، با من و هم درجه من در آخرت است؛ پس دیگر غصه نداریم و کم نمی‌آوریم. وقتی شما در دنیا با او هستی، او هر جا برود، شما را با خودش می‌برد، امام زمان علیه السلام هر جا برود و هر مقامی داشته باشد، محال است، شما را با خودش نبرد؛ چون شما در دنیا، هر جا او رفته، با او رفتی و او را همراهی کردی، با او پیوند برقرار کردی و این خیلی مهم است.

ما برای خدا، خیلی قیمتی هستیم. این قدر برای خدا قیمت داریم، که خداوند می‌فرماید: هریک نفر از شما، معادل همه برای من قیمت دارد. (مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً؛^۲ و هر که کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است.) یک نفر از شما، معادل همه شما برای من قیمت دارد. وقتی پیش پدرتان امام حسین علیه السلام می‌نشینید، خطاب به ایشان بگو: من می‌خواهم مقام شما را داشته باشم: «أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ؛ از خداوند می‌خواهم که مرا به مقام ستوده‌ای که برای شما نزد خداست برساند»؛ آن‌ها همین مقام را برای ما می‌پسندند. در اصل آن‌ها به کمتر از مقام محمود برای ما راضی نیستند؛ لذا می‌فرماید: درجه

۱. مجلسی، بحار الانوار (چاپ بیروت) ج ۵۱ ص ۱۰۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. سورة مائده / آیه ۳۲.



تو این است که بالا بیایی. آیا دقت کرده‌اید! پدر و مادرهایی که تحصیل کرده هستند، به فرزندان‌شان می‌گویند: شما باید حداقل به سطح تحصیلی ما برسید. بچه‌ها هم تحت تأثیر جو خانوادگی، تحصیل کرده می‌شوند. این در مقیاس‌های زمینی است. کسی که پدرش سلطان آخرت است، روی نوک قله نشسته، دوست دارد، بچه‌هایش هم به همان نوک قله هستی برسند. به ما می‌گویند به این مقام بیایید. خودتان را دست‌کم نگیرید. وقتتان را تلف نکنید، تردید نکنید، خودتان را به ما برسانید.

پس بهترین تقدیر، انتظار است. انتظارِ فعال، نه انتظار منفعل و ذلیلانه، عزاداری فعال است که، روح انتقام دارد و موانع ظهور را برطرف می‌کند، نه عزاداری ذلیلانه و منفعل.

وقتی شب‌های ماه مبارک رمضان دعای افتتاح می‌خوانیم، می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيٍّ وَ غِيَّةَ وَلِيِّنَا؛ خدایا، از نبود پیامبرمان 9 و از ناپیدایی مولایمان به درگاه تو شکوه می‌آوریم.» تمام شکایت من این است که پیامبر 9 بالای سرم نیست، امام زمانم و پدرم بالای سرم نیست، اگر این پدر بالای سر ما بیایید، هر کدام از ما می‌توانیم، برتر از بسیاری از انبیاء شویم؛ چون تربیت می‌شویم و تمام قوای دست‌نخورده‌ی ما فعال می‌شود. اسم‌هایی که شما در جوشن کبیر می‌خوانید، همه فعال می‌شوند. حالا ببینید اگر این اسم‌ها در کسی فعال شود، در او چه اتفاق عظیمی می‌افتد؟ به کجا می‌رسد؟

«وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا؛ و بسیاری دشمنانمان و کمی



نفراتمان.» من از زیادی دشمنم شاکي هستم، از کمی خودمان شاکي هستم؛ حالا باید چکار کنیم این انتظار فعال شود؟ یعنی خودم را به حضرت می‌رسانم و سعی می‌کنم تعداد خودمان را بیشتر کنم و تعداد دشمنان را کمتر! یعنی چه کمتر کنم؟ آیا می‌روم می‌کشمشان؟ نه، آگاهشان می‌کنم، کفار هم بچه‌های اهل بیت علیهم‌السلام هستند، منتها ناآگاهانند. باید آن‌ها را آگاه کنیم، کار فکری و فعالیت فرهنگی کنیم. (و تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ؛^۱ همدیگر را به حق توصیه می‌کنند)؛ با توصیه به حق کردن و گرفتن دست دیگران، انتظار فعال می‌شود. این کاملاً شفاف است؛ و جواب کسی است که می‌گوید، من باید چکار کنم.^۲ هرکسی می‌تواند در حیطه هنر و توانایی خود کاری کند، همه برای رسیدن به چادر حضرت راه دارند، راه هیچ کس بسته نیست. پس این بهترین تقدیر است که کسی می‌تواند داشته باشد.



شب های قدر، رحم قدرتمند تقدیر

در مباحث گذشته بیان کردیم که شب قدر ظرفیت زمانی ۸۳ سال و ۴ ماه دارد و بر این اساس بهتر از هزار ماه است. (خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ بهتر از هزار ماه) شما یک عمر رحمی (دنایی) مثلاً پنجاه ساله دارید؛ از طرفی ابدیت را پیش رو دارید؛ لذا خداوند تونل‌های زمانی ۸۳ سال و ۴ ماهه را در شب‌های

۱. سوره عصر/ آیه ۳.

۲. رک: کتاب عزادار حقیقی و کتاب آشتی با امام زمان علیه‌السلام استاد شجاعی. توضیحات پیرامون مقام محمود، به خصوص در قسمت آخر فصل چهارم



قدر تکرار می‌کند، تا شما برای ابدیت توشه جمع کنید. گویا می‌فرماید: من به جای اینکه به شما هزار سال عمر بدهم، پنجاه سال عمر دادم؛ ولی در این پنجاه سال به شما پنجاه تا ۸۳ سال و ۴ ماه هم عطا کردم.

خداوند متعال در این سوره شریفه می‌فرماید: شب قدر بهتر از هزار ماه است ولی حد انتهایی آن را باز گذاشته است، یعنی این که چقدر بهتر از هزار ماه است، بسته به عمل هر کسی است. ما نه از خودمان، نه فلسفه خلقتمان، نه تقدیرمان و نه از محاسبات دنیا و آخرت‌مان چیزی نمی‌دانیم.

ممکن است کسی بگوید: من نمی‌خواهم تقدیر یک نفر را بردارم و یا حتی تقدیر یک میلیون آدم را داشته باشم، بلکه می‌خواهم همه تقدیر امام زمان علیه السلام را بردارم، اندازه‌ام اندازه امام زمان علیه السلام است. «يُبَلِّغُنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ؛ مرا به مقام محمود برسان»؛ همان مقامی را می‌خواهم که شما دارید. امام زمان علیه السلام می‌فرماید: شما که بالا بیاوید و رشد پیدا کنید، ما هم خوشحال می‌شویم و کمکتان می‌کنیم. امیرمؤمنان 7 می‌گوید: من خیلی خوشحالم که شما، تقدیرات ما را انتخاب کنید، هم درجه ما باشید، شما فرزندان ما هستید، هیچ پدر و مادری راضی نیست قیمت و مقام فرزندش از خودشان کمتر باشد. پدر و مادرها همیشه دوست دارند؛ فرزندانشان حداقل به اندازه خودشان، توانایی، امکانات و قیمت داشته باشند؛ پس من هم می‌توانم تقدیر پدرم حضرت علی 7 و مادرم فاطمه زهرا 3 را انتخاب کنم. هرکس کمتر از این انتخاب کند؛ قیمت واقعی





خودش را نمی‌شناسد، یعنی؛ به تقدیرهای حیوانی یا تقدیرهای جمادی یا تقدیرهای گیاهی راضی است، یا در انتها می‌خواهد آدم خوبی باشد؛ اما این که بگویی، من تحمل تقدیر کمتر از امام زمان علیه السلام را ندارم، چیز دیگری است. چقدر دلنشین است؛ وقتی کسی وارد برزخ می‌شود، همه فرشته‌ها، پنج تن : ، ائمه : ، امامزاده‌ها و حتی انبیا : به استقبال و جشن تولد این آدم بیایند، بهشتیان، بهشت را برای او آیین ببندند. وقتی شما می‌خواهید از این رحم عظیم دنیا به برزخ وارد شوید، چه اتفاقی می‌افتد؟ استقبال از فردی است که، درست زندگی کرده است و اکنون به برزخ سالم متولد می‌شود؛ اما اگر سالم متولد نشود، همه متأثر می‌شوند و استقبال ندارد، چون بد زندگی کرده، به جای این که انبیا و ائمه : بیایند، فرشته‌های محاسبه‌گر می‌روند، از او سؤال می‌کنند: با خودت چکار کردی؟ خیلی بد است، لحظه‌ای که انسان می‌خواهد از این دنیا برود، تازه اول بدبختی و بدهکاری‌اش باشد. تازه بفهمد که چقدر بد زندگی کرده، چقدر عمرش را تلف کرده است. شما در این دعاها مگر نمی‌گویید: «ادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا»^۱ نکیل و منکر (دو فرشته مأمور بر سؤال مردگان) را از من دور کن؛ خدا! اصلاً آن محاسبه‌گرها را پیش من نیاور، نشان من نده. «وَأَرْعِنِي مُبَشِّرًا وَ بَشِيرًا»^۲ مبشر و بشیر را که مژده دهندگان سعادتند به من بنمایان؛ آن فرشته‌هایی که تحویل

۱. قمی، مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب و دعای مسجد صعصعه.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، دعای ماه رجب و دعای مسجد صعصعه.



می گیرند، با خنده می آیند، بشارت و مژده می دهند، این ها را به من بنمایان. خداوند می فرماید: این فرشته ها شئون خودتان هستند، یادتان باشد! عزرائیل، نکیر و منکر، بشیر و مبشر، همه شئونات نفس خودتان هستند. نفس ما می تواند انتخاب کند، که آنجا چه کسی را احضار کند. دقت کن! بین نفست، قدرت دارد چهارده معصوم : را دعوت کند و بیاورد یا نه!

برای فهم بهتر قدرت نفس قاعده ای را بیان می کنیم؛ نفس ما قبر ماست، هر کس الان عرضه دارد، در نفسش چهارده معصوم : را جذب کند، «**أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ**»^۱ و جان های شما در جان ها و ارواحتان در ارواح است؛ این که وقتی سرت را روی بالین می گذاری، بین آیا فلان صحنه کثیف، آلوده و فلان انسان گناهکار می تواند نفست را بکشد؟ یا نه، می توانی بگویی: من الان می خواهم سرم را روی بالش بگذارم، چه فرصت خوبی است! تا در آغوش خدا بخوابم. همین که سرش روی بالش است، می بینی خدا هم کنارش هست، امام زمان علیه السلام هم کنارش است. اصلاً این شخص، با عشق بازی، حرف زدن و لالایی امام زمان علیه السلام خوابش می برد، با لالایی خدا خوابش می برد.

از همین نحوه خوابیدن، بفهم که روح الان چه چیزهایی را می کشاند. در تنهایی هایت و خلوت هایت، بین چه کسانی را دوست داری، نزد خودت بکشانی. انتخاب دوستان، قیمت

۱. قمی، مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

را مشخص می‌کند. در خلوت، دلت برای چه کسانی تنگ می‌شود، قیمتت دستت می‌آید؛ چون فرمود: دنیا، متن جهنم است. ما الان همه در جهنم هستیم، جهنم حقیقی، همین جاست. جهنمی که در آخرت می‌رویم، بازتاب همین جهنم است.

بین الان در این جهنمی که زندگی می‌کنی، پر از شیطان، گناه، معصیت و آتش است، پر از حرام است، می‌سوزی یا نمی‌سوزی؟ در این جهنمی که داری زندگی می‌کنی، آیا به جای این که بسوزی، خانم فاطمه زهرا 3 می‌آید به شما سر بزنند؟ اهل بیت علیهم‌السلام می‌آیند؟ اولیای خدا می‌آیند؟ خود خدا می‌آید؟ بین چه کسی را می‌توانی بکشی؟ نفست چه کسی را می‌تواند، جذب کند؟ جنس دلتنگی‌های هر شخصی، قیمت او را معین می‌کند؛ همچنین نشان می‌دهد حد و تقدیر او چقدر است!

حالا تصور کنید! این شخص می‌خواهد از طبیعت به برزخ وارد شود، در روایت وارد شده است، عزرائیل مثل غلامی می‌آید، بعد معصومین علیهم‌السلام را نشان می‌دهد، می‌گوید: این‌ها را بین، به استقبال شما آمدند. عزرائیل با چهره‌ای فوق‌العاده زیبا، که در واقع، چهره خودت است به استقبالت می‌آید. چون ملک‌الموت، به چهره نفس تو و با باطنی به شکل باطن خودت ظاهر می‌شود. آن قدر زیباست، که حضرت فرمود: اگر این چهره را به جهنمیان نشان دهند، دیگر هیچ دردی احساس نمی‌کنند، این قدر که محو دیدن چهره ملک‌الموت می‌شوند.



شب عید فطر، شب قدر

شب عید فطر، شب قدر است. شب عید؛ شب قدر بزرگی، به اندازه کل ماه مبارک است. شب عید؛ شب مبارک، شب احیا و جشن است. آدم باید بیدار بماند، جشن خیلی بزرگی دارد. روز عید، در قنوت نماز عید می خوانیم: خدایا! هرچه به اهل بیت علیهم السلام دادی، به من هم بده. از کنار این زیارت نامه ها به راحتی رد نشوید. در واقع، این زیارت نامه ها، عاشقانه ترین ترانه های زندگی انسان هستند. هیچ ترانه ای قشنگ تر از این نیست که تو شروع کنی به سلام کردن و خوش و بش کردن با انبیا: «السَّلامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ»؛ به پدرت، حضرت آدم سلام می کنی. «السَّلامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ». به نوح پیامبر بزرگ خدا سلام می کنی. هرکس چهل شب، وقتی می خواهد بخوابد به جای این که فکرهای آلوده و بیهوده و پست کند، عاشقانه این سلام را به آبا و اجداد طاهرینش بدهد، از آدم علیه السلام شروع کند تا رسول الله 9 و امام زمان علیه السلام با فرشته ها گپی بزند، به امامزاده ها سلامی بدهد، با وضو و رو به قبله بودن مهم نیست، بعد از چهل شب احساس می کند، چقدر این ها صمیمانه به سراغ تو می آیند، حتی وقتی حواست نیست، آن ها می آیند و به تو سلام می کنند.

این قیمت ماست، ما باید از افکار کثیف، کوچک و پلید حیوانی، جمادی و نباتی دست برداریم. تصمیم بگیریم، تقدیرهای خانواده خودمان را انتخاب کنیم. هر کس شایسته است با





خانواده خودش زندگی کند. مگر ما بچه‌های اهل بیت : نیستیم؟ خوب برویم در خانه خودمان زندگی کنیم. با پدر و مادر خودمان زندگی کنیم. بیرون از خانه واقعاً چه حسنی دارد؟ چرا ما با اهل بیت : زندگی نکنیم؟ خدا، اهل بیت : را برای قیامت نگذاشته؛ آن‌ها را در دنیا برای ما پایین فرستاده است. می‌فرماید: با این‌ها زندگی کنید، الان امام زمان علیه السلام در ماست، ما آواره‌شان کردیم و قبولشان نمی‌کنیم، حاضر نیستیم، پیش او برویم و گرنه آغوش او به روی ما باز است، خوشحال هم می‌شود. هر کس بخواهد در خانه امام زمان علیه السلام برود، راه باز است؛ اما آیا واقعاً ما می‌خواهیم برویم؟

در این شب، اگر تصمیمت را گرفتی، از فردا صبح سبک زندگی‌ات واقعاً تغییر می‌کند. نوع دوست‌یابی‌هایت، ارتباطات، تصمیم‌هایت و همه‌چیزت رنگ خانواده آسمانی پیدا می‌کند. نگاهت واقعاً به آدم‌ها عوض می‌شود. اگر آرامش و شادی و نشاط می‌خواهید، فقط در چادر امام زمان علیه السلام پیدا می‌شود، هیچ چیزی، بیرون از این خانه به دست نمی‌آید. شما به میزانی که بیرون از خانه هستید، تقدیرها و تدبیرهایتان با حضرت اختلاف دارد، دچار غم، غصه، فساد، گرفتاری و مشکلات می‌شوید، دیگر نمازت به دادت نمی‌رسد، روزهات به دادت نمی‌رسد. قرآن می‌فرماید: (تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده] فرود آیند). همه امور، دست ولی امر





است، دست صاحب امر است. وقتی تو با صاحب امر فاصله بگیری، خودبه‌خود بدبختی به سراغت می‌آید، گرفتاری‌ها، غصه‌ها، ناراحتی‌ها و مشکلات پیدا می‌شود؛ اما وقتی در خانه امام زمان علیه السلام هستی و تقدیرت را با تقدیر حضرت یکی کردی، به خدا قسم بعد از آن، وقت ناراحت‌شدن و غصه‌خوردن نخواهی داشت. قبلاً عرض شد، غصه‌های آدمی، قیمت او را مشخص می‌کند، هر چیزی که می‌تواند تو را به گریه بیندازد، قیمتت را تعیین می‌کند. بین چه چیزی تو را ذلیل می‌کند، قیمتت همان است، این یک قانون است که؛ دنیا، هر کس را بتواند به گریه بیندازد، داخل جهنم است. حضرت رسول اکرم 9 فرمودند: «مَنْ بَكَى عَلَى الدُّنْيَا دَخَلَ النَّارَ»^۱ هر کس برای امور دنیا گریه کند، داخل دوزخ می‌گردد!»



دعای امام سجاد 7 در شب بیست و هفتم

دعای معروفی است که حضرت سجاد علیه السلام در شب بیست و هفتم تا صبح می‌خواند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْاسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْقَوْتِ»^۲ خدایا، دوری از خانه فریب و بازگشت به خانه جاویدان و آمادگی برای مرگ، پیش از رسیدن آن را روزی‌ام گردان». خدایا! کنده شدن از طبیعت، از دار فریب را نصیبم کن تا به آن چسبندگی پیدا نکنم، آلوده‌ام نکنند. انابه، یعنی بازگشت به خانه جاودانگی،

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۳.

۲. صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۱، ص ۲۲۸.

آمادگی، جمع‌آوری و تجهیز برای لحظه بسیار باشکوه تولد به برزخ. قبل از اینکه استعدادهایم تلف شود و همه اعمال نیکم را ضایع و خراب کنم، قبل از اینکه فوت مرا بگیرد و فرشتگان مرا ببرند، من آماده شوم و بعد بروم.

این قدر که این ترانه‌ها، قشنگ است، انسان نمی‌داند با کدامش به پرواز درآید: «یا سلام یا مؤمن یا مهمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا باری». آدم با هر کدام که خدا را صدا می‌کند، به نوعی حظی می‌برد. «یا مُصَوِّر یا الله یا الله یا الله لَکَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلَیَا وَ الْکِبَرِیَاءُ وَ الْآلَاءُ»، بعد از این اسماء می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، این یک اصل است. با چهارده معصوم : آغاز می‌شود. بدون چهارده معصوم : هیچ‌گونه ورودی به درگاه کبریایی خداوند تام و کامل نیست. اصلاً خداوند نمی‌پذیرد. ورود به کمال مطلق با مظاهر مطلق است. با مظاهر محدود نمی‌شود به درگاه مطلق وارد شد. شما فقط زمانی می‌توانید به درگاه و دربار مطلق راه پیدا کنید که با مظاهر مطلق حرکت کنید، مظاهر محدود شما را به هیچ‌جا نمی‌رساند. لذا وقتی می‌خواهید به الله تعالی برسید، باید از این اصل پیروی کنید. همان‌طور که در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدَأَ بِکُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبِلَ عَنْکُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِکُمْ؛ هر که آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز می‌کند، و هر که او را به یکتایی پرستد، طریق توحیدش را از شما می‌پذیرد و هر که قصد حق کند به شما توجه می‌نماید». هر کس قصد الله را دارد، باید اول





با مظاهر کامل ارتباط برقرار کند. بدون اهل بیت (علیهم السلام) کسی راه به درگاه الله ندارد، برای همین تا به الله می‌رسی، بعد از گفتن یا الله یا الله یا الله، ابتدا می‌گویی: خدایا، «أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». البته آل محمد (علیهم السلام) خود شما هم هستید، یادتان نرفته که امام صادق (علیه السلام) فرمود: صلوات را بر آل محمد (علیهم السلام) بفرستید، که خود شما را هم در بر بگیرد. فرمودند که بگویید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ». همه شما چون، فرزندان ما هستید، از آل محمد (علیهم السلام) به شمار می‌آیید. خیلی عالی است، صلوات‌ها را به خودتان می‌فرستید، صلوات فرمولی است، که تو را با خانواده‌ات یکی می‌کند و تمام موانع بین تو و اصل تو را از بین می‌برد. صلوات، اسم اعظم و ذکر اعظم است. شما تا با عشق، میل و باور صلوات فرستادی، بلافاصله به خانواده آسمانی وصل می‌شوی، مثل شماره تلفن خانواده آسمانی می‌ماند، تا صلوات فرستادی، گوشی‌اشان زنگ می‌خورد و تو می‌توانی به راحتی ارتباط برقرار کنی. با خود الله تعالی هم، باید همین کار را انجام دهی؛ در دعاها، صحیفه سجاده دقت کنید، وقتی امام معصوم (علیه السلام) می‌خواهد با خدای متعال حرف بزند، خودش هم صلوات می‌فرستد. حالا از اینجا داستان شروع می‌شود: «وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ؛ خدایا! امشب نام مراد را بین سعادتمندان قرار دهد». این اولین چیزی است، که شما در هر شب می‌خواهید. خدایا! من می‌خواهم خوشبخت و سعادتمند شوم. خدایا! این همه ذکر و ثنا گفتیم، از تو می‌خواهم که اسم مرا از بین بدبخت‌ها و بیچاره‌ها خط بزنی و در بین سعادتمندان قرار دهی.

فصل هشتم

مروری بر بحث گذشته

استمداد از اسماء الهی در شب‌های قدر

شب قدر، شب آشتی و بازگشت به آغوش خدا

کتاب‌نامه



شب قدر، اوج ذکرهای آسمانی



مروی بر بحث گذشته

بعد از اسماء الهی، با خود الله کار دارید. بدون استفاده از مظاهر بی‌نهایت و پیوند با آنها، رسیدن به کمال مطلق و بی‌نهایت امکان‌پذیر نیست. معصومین : کامل‌ترین و بزرگ‌ترین مظهر بی‌نهایت هستند. با اتصال به مظاهر محدود، نمی‌توان به بارگاه بی‌نهایت راه پیدا کرد؛ لذا بعد از این که شما، اسماء الهی را می‌گویید و متوسل به اسماء الهی می‌شوید، برای پذیرش درخواستان، مظاهر بی‌نهایت الهی یعنی مثل اعلی را شفیع قرار می‌دهید.

استمداد از اسماء الهی در شبهای قدر

در شبهای قدر و شبهای آخر ماه مبارک رمضان، که



شما با خداوند حرف می‌زنید، می‌گویید: «یا الله یا الله یا الله لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا»؛ یعنی واسطه ما اسماء حسنی هستند، امثال علیا جمع مثل اعلی است. مثل اعلی یعنی؛ عالی‌ترین نمونه از حق تعالی. عالی‌ترین مظهر خداوند، معصوم است و اینجا شما عالی‌ترین نمونه‌ها را جمع می‌بندید، یعنی معصومین : .

«وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ»^۱ من در این شب از تو می‌خواهم، که اسم مرا در بین سعادتمندان قرار بدهی». در دعای دیگر داریم: ای خدا! اسم مرا از بین اشقیا پاک کن و در بین سعدا بنویس. «وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ»^۲ روحم را با شهدا قرار ده» شهادی که در اوج هستند. یعنی کجا هستند؟ می‌فرماید: (عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)^۳ نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند؛ یعنی می‌خواهم روحم در بهشت خودت باشد، در بهشت لقاء باشد، روح من عنداللهی شود، اینها اوج هستند.

من می‌خواهم، روحم امشب با شهدا باشد. امشب با آنها در بهشت باشم. این، نوعی سبک زندگی است. شما در نماز همیشه از خداوند می‌خواهید: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)^۴ ما را به راه راست هدایت کن؛ این صراط مستقیم اوج انسان است و شخصیت‌هایش مشخص هستند: انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین. اگر کسی سبکی، غیر از سبک‌شان را انتخاب کند،

۱. قمی، مفاتیح الجنان، دعای بیست و یکم ماه رمضان.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، دعای بیست و یکم ماه رمضان.

۳. سوره آل عمران/ آیه ۱۶۹.

۴. سوره حمد/ آیه ۶.



دیگر نمی‌تواند در دنیا با آنها زندگی کند، و با آنها محشور شود و در اوج با آنان پرواز کند.

کسی که سبک زندگی‌اش غلط است، ماهواره، فضای اینترنتی آلوده و موسیقی حرام در خانه‌اش هست، من با اطمینان می‌گویم؛ به هیچ وجه نمی‌تواند با این چهار گروه، پرواز کند و محشور شود. اگر این شخص دعا هم کند، فقط شوخی می‌کند، اگر نگوییم نفاق دارد، دروغ می‌گوید، نمی‌فهمد و یا نمی‌خواهد واقعاً حرکت کند، این شخص نمی‌تواند هیچ اوجی بگیرد.

بعضی‌ها هم این چیزها را ندارند؛ ولی دلشان لک زده برای داشتنش. این‌ها قطعاً سبک زندگی‌شان غلط است؛ چون کسی که می‌گوید: «**أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**» **صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ**^۱؛ ما را به راه راست هدایت فرما، راه آنانی که نعمتشان دادی؛ یعنی آنها محبوب من هستند، من دلم لک می‌زند، دلم ضعف می‌رود برای اینکه با شهدا محشور شوم، روحم با شهدا باشد، زندگی‌ام، مثل زندگی آن‌ها باشد، واقعاً این را می‌خواهم. دلت برای هر چیزی تنگ شود و ضعف برود، شخصیت و قیمتت هم همان است. قیمت هر فردی را، دلتنگی‌ها و غصه‌هایش معلوم می‌کند.

«**وَإِحْسَانِي فِي عَلِيٍّ**»^۲ و نیکوکاری‌ام را در بلندترین درجه بهشت [قرار ده]؛ خدایا احسانم را در علین قرار بده؛ یعنی این

۱. سوره حمد/ آیات ۶ و ۷.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، دعای شب بیست و یکم ماه رمضان.



کارهای خیر و خوبی را که من انجام می‌دهم، در عالی‌ترین درجات، در علیین قرار بده؛ یعنی این قدر اوج بگیرم که کارهای خیر من مخلصانه باشد، طلبکارانه از خدا نباشد.

مقام احسان از مقامات عالی انسان است. انسان نخست مسلمان می‌شود، بعد مؤمن می‌شود، بعد باتقوا می‌گردد، بعد از تقوا، مقام احسان است. بعد از احسان هم، مقامات دیگری دارد. این‌ها درجات آدمی است که می‌تواند اوج بگیرد. مقام احسان، مقام فوق‌العاده شیرین و دلچسبی است.

«وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً؛ و گناهانم را بیامرزش؛» خدایا! امشب از کارهای بد، بی‌ادبی‌ها و گناهان من بگذر. عفو نمی‌خواهم بلکه بالاتر از عفو، غفران و مغفرت تو را می‌خواهم، یعنی خدایا! هر کار بدی کردم، هر گناهی کردم؛ تو با من طوری رفتار کن که انگار من اصلاً چنین کاری انجام نداده‌ام، رویت را از من برنگردان، با من آشتی باش، مهربان باش، لبخندت متوجه من باشد.

«وَأَنْ تَهَبَ لِي؛ به من عنایت کن، ببخش به من.» چه چیزی را ببخش؟ این خیلی اوج دارد. معصوم وقتی می‌فرماید: هر شب این را بخواه؛ یعنی چیزی در این هست که تو باید درست، پا جای پای معصوم : بگذاری. اگر بنشین، برای خودت سبک بسازی که امشب این کار را کنم، آن کار را کنم، به درد نمی‌خورد. خداوند می‌خواهد تو را در شب قدر، تقدیری ۸۳ سال و ۴ ماهه بدهد، بلکه بالاتر. متخصص معصوم می‌فرماید: برای رسیدن به این تقدیر چطور حرکت کن.

در سیره و روش پیامبر 9 آمده است، این ده شب آخر



ماه مبارک رمضان، رختخوابشان را هم جمع می‌کردند؛ یعنی اصلاً بنای خوابیدن نداشتند. حالا اگر خسته شدند و خوابیدند، بحث دیگری است؛ ولی می‌فرماید: می‌خواهم از همه لحظه‌ها استفاده کنم. او پیامبر 9 است. می‌خواهد اوج بگیرد. این بخشش را در خواست می‌کنیم، «وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي؛ وَ بِهِ مِنْ يَقِينِي عَطَا كُنِي، که همیشه با دلم همراه باشد». یقینِ مباشرِ قلب؛ یعنی: یقینِ چسبیده به قلب و دلم بده. یقینی که به دلم بچسبد و دیگر کنده نشود، این را از خدا بخواهیم؛ چون اگر کسی امشب بخواهد سبک زندگی‌اش را عوض کند و تقدیر مهدوی بگیرد، باید باور داشته باشد که به این تقدیرها نیاز دارد؛ تا بتواند مقدراتش را عوض کند؛ وگرنه صرف شنیدن این‌ها، به تصمیم منجر نمی‌شود. همه می‌آیند، احیاهایشان را برگزار می‌کنند، هیچ تصمیم جدیدی هم نمی‌گیرند. دوباره می‌روند، سحری‌شان را می‌خورند و می‌خوابند، دوباره روز از نو، روزی از نو. کسی که باور ندارد، یقین ندارد؛ «يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ اِيْمَانًا يَذْهَبُ الشَّكُّ عَنِّي؛ یقینی که همیشه با دلم همراه باشد و ایمانی که شک و تردید را از من دور ساز». امشب من ایمانی می‌خواهم، که تمام تردیدهای من از بین برود؛ پس مشکل بهره‌برداری از شب قدر چیست؟ این است که یقینش، باورهایش و ایمانش ضعیف است. خیلی‌ها می‌آیند در این احیاء شرکت می‌کنند و هنوز تصمیم نگرفته‌اند که زندگی انسانی داشته باشند و تا آخر هم رد می‌شوند و می‌روند؛ یعنی بین دنیا و آخرت خودشان مانده‌اند، بین شهوت و انسانیت، بین



بهشت و جهنم. واقعاً خیال ندارند، در سبک زندگی‌شان تغییر ایجاد کنند، دنیای بد و پر انحراف و معصیت را می‌خواهند. دنیای خوب، آدم را به آخرتِ خوب می‌رساند، یک دنیای شاد و آرام، انسان را به آخرت شاد و آرام می‌رساند.

«و تَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي؛ بدانچه روزی‌ام کرده‌ای، خشنود سازی». خدایا! مرا به آنچه که نصیبم کردی، راضی کن؛ تا در هوس چیزهای برتر و بیشتر به تنوع‌طلبی نیفتم و قانع باشم، تا بتوانم در چادر حضرت بمانم. تمام بدبختی‌هایی که باعث می‌شود ما در چادر حضرت نمانیم، این است که هوس‌های بیرون از چادر داریم. ما به امام زمان حدود ۱۱۸۰ سال است که گفتیم: آقا! ما وقت نداریم بیایم و شما را از آوارگی، طردشدگی و تنهایی نجات دهیم؛ چون برای خودمان نقشه و برنامه داریم. خیلی‌ها هوس‌های مقدس دارند، برای خودشان چیزهایی را هوس کرده‌اند که به درد اسلام و انقلاب و امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم نمی‌خورد.



گاهی هیئت‌بازی و عبادت‌بازی، این‌قدر آدم را مشغول می‌کند، که یادش می‌رود امام زمانش از او چه می‌خواهد. از کجا بفهمم، اگر دارم کار خیری انجام می‌دهم و یا کار فرهنگی انجام می‌دهم، واقعاً برای حضرت است یا برای شهوت شخصی خودم؟ یک راه دارد. از شهیدی مثال بزنم؛ مرحوم حجت‌الاسلام و المسلمین میثمی می‌گفت: راهش این است، اگر آن کار را به فرد دیگری واگذار کردند، اگر به شما گفتند دیگر این کار را نکن، شما به همان اندازه‌ای که خودت می‌کردی، خوشحال

شوی. اگر مسئول جلسه بگوید: آقای شجاعی! شما سخnrانی نکنید، کسی دیگر سخnrانی می کند، اگر من ناراحت شوم، معلوم است شهوت رانی بیش نیستم. اگر به تو برخورد، پس معلوم است، شهوت شخصی داری؛ پس معلوم است همه این ها دکان و دفتر است. اگر توانستی مثل مالک اشتر دل بکنی؛ تا چادر معاویه ده قدم مانده بود، علی 7 به او می گوید: برگرد، برمی گردد. با رضایت برمی گردد، می گوید: آقا! فرموده است که برگردم، چشم، معاویه را نمی کشم.

خدایا! هرچه به من می دهی، راضی ام کن، هرچه هست. دنبال زیاده طلبی و تنوع طلبی نیفتم. (آتِنَا فِی الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً^۱؛ خدایا ما را از نعمت های دنیا و آخرت هر دو بهره مند گردان). در دنیا حسنه بده؛ یعنی زندگی خوب باشد، در دنیا زندگی امام زمانی بده، آخرت هم همین طور باشد. «وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ^۲؛ و از عذاب آتش دوزخ نگاه دار»؛ خدایا! امشب، ما را از آتش سوزان جهنم نجات بده. «وَ ارْزُقْنِی فِیْهَا ذِکْرَکَ؛ روزی ام کنی در این شب ذکر خودت را». خدایا! امشب یاد خودت را به من بده، «وَ شُکْرَکَ؛ شکر خودت را» «وَ الرِّغْبَةَ الْیَکَ؛ و اشتیاق به سویت را»؛ خدایا! امشب، به من رغبتی به سمت خودت بده، من به خودت شیفتگی پیدا کنم «وَ الْإِثَابَ؛ و بازگشت به سویت را». امشب، بتوانم سبک زندگی ام را تغییر بدهم.

۱. سوره بقره/ آیه ۲۰۱؛ قمی، مفاتیح الجنان، دعای شب بیست و یکم ماه رمضان.

۲. قمی، مفاتیح الجنان، دعای شب بیست و یکم ماه رمضان.





شب قدر، شب آشتی و بازگشت به آغوش خدا

انابه، یعنی امشب برگردم؛ یعنی خیلی چیزهایی را که به من وصل است و نمی‌گذارد من به چادر حضرت بروم و با خانواده آسمانی باشم، قیچی کنم و کنده شوم. خدایا! امشب به دستم قیچی بده، همه تعلقات را ببرم. حالا توبه احتیاج داریم: «والتَّوْبَةُ»؛ امشب باید جبران کنم، توبه‌ای نصیبم کن که بگویم: از بدون حضرت زهرا 3 زندگی کردن، بی‌مادر زندگی کردن، توبه می‌کنم. من از این که بدون امام زمان عجل الله تعالی فرجه زندگی کنم، توبه می‌کنم. من از این که از خانواده آسمانی‌ام فاصله بگیرم، توبه می‌کنم. خدایا! ما می‌خواهیم با تو آشتی کنیم، به اوج برسیم و با پیامبر 9 و آلش محشور شویم؛ به این توبه احتیاج داریم.



«والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ 9 : توفیق ده، برای انجام آنچه را موفق داشتی بدان محمد و آل محمد 9 را»؛ امشب به من توفیقی بده؛ به هر چیزی که امشب پیغمبر و آلش را موفق کردی، به من هم همان توفیق را بده: «والتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ»؛ این دعا را در شب عید هم داریم، یادتان نرود، شب عید از دستتان نرود، روز عید و نماز عید هم حواستان باشد؛ چون می‌خواهید میوه‌چینی کنید.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تهران: کتابفروشی صدوق، (بی تا).
- ۲. علل الشرائع، قم: مومنین، ۱۳۸۰.
- ۳. من لایحضره الفقیه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- ۴. کمال الدّین و تمام النّعمه یا اِکمال الدّین و اِتمام النّعمه، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران: اسلامیّه، ۱۳۹۵ ق، چاپ دوم.
- ۵. الهی قمشه‌ای، مهدی، دیوان اشعار، تهران: برادران علمی، ۱۳۶۶.
- ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ۷. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (سلام الله علیه)، ۱۳۵۷.
- ۸. حلی، ورام بن ابی فراس، تنبیه الخاطر و نزّه الناطر، بیروت: موسسه اعلى مطبوعات، بی تا.
- ۹. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: آل علی 7، ۱۳۷۹.





۱۰. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ترجمه جعفری، تهران: الاسلامیه، ۱۳۸۱ش.

۱۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۳۷۵، اول.

۱۲. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم: اندیشه هادی، ۱۳۸۸.

۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر صافی، با تحقیق علامه سید محسن حسینی امینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۷.

۱۴. قمی، عباس، مفاتیح الجنان.

۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹.

۱۶. متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، ۱۳۶۳.

۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۵۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۹. محمدی ری شهرری، محمد، میزان الحکمه، قم: موسسه علمی و فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۹.



معرفی مرکز نشر

مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمد شجاعی با هدف تولید، توزیع، هدایت، نظارت و ترجمه آثار صوتی، تصویری و مکتوب استاد شجاعی فعالیت خود را با موافقت کتبی و نظارت مستقیم ایشان آغاز کرده است.

بدون شک تنوع آثار، در کنار لزوم تکرار در تولید برای ارائه محصولات برآمده از بنان و بیان ایشان به گروه‌های مختلف سنی در داخل کشور، همچنین گروه‌های فراوان مخاطبان در سراسر جهان، نیازمند برنامه‌ای هنرمندانه و هوشمند، متناسب با نیازها و سلیقه‌ها در کنار توجه به ظرفیت‌ها از مهم‌ترین اهداف تأسیس این مرکز است.

تولید مجموعه آثار صوتی و تصویری همچنین مجموعه آثار مکتوب در قالب «کتاب‌های کار»، «بیان» و «قوت جان» بخشی از این فعالیت‌ها است که به زودی به علاقه‌مندان تقدیم می‌شود.

مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمد شجاعی، آماده دریافت نظرات فرهیختگان، صاحب نظران و فعالان فرهنگی در راستای گسترش معارف الهی در سطوح ملی و بین‌المللی است.



